



د افغانستان بانک  
(بانک مرکزی)

BANK

بانک

د افغانستان بانک خپرونه



څلورم کال، یو څلویښتمه گڼه د ۱۳۸۹ کال د لړم میاشت

# آغاز کار تعمیر جدید توسعه د افغانستان بانک



# د دې ګڼې مطالب

مشریان سکټورهای بانکداری و مالی با استفاده از امکانات مدرن آموزش خواهند دید.

د افغانستان بانک ځینو ادارو لپاره د نوې ودانۍ د بنسټ ډبره کېښودل شوه.

د افغانستان بانک قانون

اثرات متفاوت بحران در کشور های متعدد جهان

معمود قیمت مواد محروقاتی و مشکلات حاصله از آن

رقابت شدید میان دالر امریکایی و یوان چینایی

فعالیت موثر بانک های خصوصی سبب رشد سرمایه گذاری در کشور می شود.

استخراج و بهره گیری از معادن، توسعه اقتصادی را بار می آورد.

راه اندازی و ورکشاپ یکروزه ارتباطات در مرکز آموزش و رشد کارمندان

تبلیغات عامل مؤثر برای تحرک بازار

اهمیت اقتصادی پنبه

اقتصاد او اقتصاد د پیاوړتیا عوامل

**BANK** بانک

صاحب امتیاز: د افغانستان بانک

نحت نظر هیئت تحریر: عتیق الله نوشیر - محمد قسیم رحیمی - محمد اسحق علوی - رایت علمیار

مدیر مسول: محمد کبیر کاووسی

گزارشگران: عبداللطیف بایانی و عبدالحفیظ شاهین

دیزاین: عبدالقیوم رووف ارغند

فوتو راپورتر: زیرک ملیا

همکار تخنیکي: یما عقیف

ترجمه: شفیق الله بارز و عین الله عیان

آدرس د افغانستان بانک

آمریت عمومی اسناد و ارتباط

تلیفون: ۰۰۹۳۲۰۲۱۰۳۸۱۵ / ۲۱۰۴۷۶۱

فکس: ۰۰۹۳۲۰۲۱۰۳۰۵

پست الکترونیکی: magazine@centralbank.gov.af

صفحه الکترونیکی: www.centralbank.gov.af

## شرایط فعلی آموزش مسلکی و علمی بیشتر میطلبند

د افغانستان بانک بر اساس پلان استراتژیک و کاری خود، در نظر دارد تا ظرفیت کاری کارمندان بانک مرکزی و تمام دست اندرکاران نظام بانکداری افغانستان را با در نظر داشت شرایط کنونی ارتقاء بخشد. این مأمول زمانی بر آورده میشود که یک مرکز قوی و با اتوریته آموزشی بدسترس باشد. در گذشته ها در دهه ۶۰ نهاد بنام انستیتوت بانکداری در چوکات د افغانستان بانک فعال بود که علاقمندان و کارمندان عرصه بانکداری مطابق شرایط همآنوقت در آن به تحصیل و آموزش مصروف بودند.

بعد از ایجاد تحولات برجسته در نظام بانکداری و مالی افغانستان طی چند سال اخیر که نیاز شدید به امر آموزش کارمندان نظام مالی و بانکداری و ارتقای ظرفیت کاری شان احساس میگردد د افغانستان بانک را بر آن وا داشت تا به بنیان گذاری یک مرکز بزرگ و مجهز آموزشی و تحصیلی بنام انستیتوت بانکداری مبادرت ورزد تا این مرکز بتواند پاسخگوی نیازمندی زمان حاضر باشد.

با وجود دستاورد های مهم و چشمگیر در عرصه نظام مالی و بانکداری، شرایط فعلی می طلبد تا در بخش ظرفیت های تخنیکي و قوای بشری که رشد و توسعه نظام مالی و بانکداری تقاضا دارد، توجه جدی مبذول گردد که ایجاد و فعالیت انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان نمایانگر این موضوع است.

انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان زمینه برگزاری تریننگها را در امور مسلکی بانکداری و مالی فراهم خواهد ساخت که در ارتقای ظرفیت مسلکی و عملی کارمندان سکټور بانکداری و مالی افغانستان خیلی ها مؤثر و سودمند خواهد بود. آغاز کار انستیتوت بانکداری و مالی از یک جانب زمینه ادامه تحصیلات عالی را برای تعداد زیاد کارمندان عرصه های فوق الذکر فراهم خواهد ساخت و از جانب دیگر با راه اندازی تریننگها و کورسهای آموزشی در زمینه ارتقای ظرفیت کاری کارمندان سکټور بانکداری و مالی اثر گذار خواهد بود.



## منسوبان سکتور های بانکداری و مالی با استفاده از امکانات مُدرن آموزش خواهند دید

آموز مصروف کسب دانش اند می توان نام برد. محترم فطرت در رابطه به نظام بانکداری چنین گفت: در سال ۲۰۰۲ نظام بانکی افغانستان را از سر بنا نهادیم که در آن زمان یک بانک مرکزی نیمه فعال و ورشکسته و شش بانک تجارتي نیمه سیال و تقریباً ورشکسته و غیر فعال در کشور وجود داشت، در آن وقت تعداد بانکداران مجرب در تمام نظام بانکی افغانستان زیاد نبود، بعد از تصویب قوانین د افغانستان بانک و بانکداری برای یک تعداد از بانکهای خصوصی از جانب د افغانستان بانک جواز فعالیت اعطا شد و این نهاد منجیت بانک مرکزی متأسفانه با کمبود اشخاص مسلکی و فنی مواجه بود تا رهبری بانک ها را بر عهده گیرند و بانکها مجبوراً از کشور های همسایه به استخدام اشخاص مورد نیاز می پرداختند. اکنون که نظام بانکی افغانستان رونق خوبی پیدا نموده و حدود ۸۵۰۰ کارمند در ۴۵۰ شاخه این نهاد مصروف خدمت اند، بناً بخاطر متکی شدن بخود و رهایی از خطرات امروز و فردای نظام بانکداری افغانستان، نیاز مبرم به تعلیمات مسلکی میباشد و انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان این نیاز را برآورده خواهد ساخت.

محترم رئیس کل د افغانستان بانک افزود: در سال ۲۰۰۸ برنامه ایجاد فعالیت انستیتوت بانکداری طرح ریزی و در سال ۲۰۰۹ اساسنامه آن از طرف موسسین به امضا رسید.

در همین سال بانک جهانی، موسسه حرکت، اداره مسفا، د افغانستان بانک و بانک انکشاف آسیایی این نهاد را کمک نمودند و ما در جنوب و جنوب شرق آسیا در جهت همکاری با انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان داوطلبی را راه اندازی نمودیم که خوشبختانه انستیتوت بانکداری و مالی کشور بنگله دیش برنده شد و ما را در بخشهای نصاب تعلیمی، تدریس



نظام بانکی افغانستان جهت بلند بردن ظرفیت های مسلکی در روند توسعه و رشد هرچه بیشتر سکتور مالی کشور اینکار بزرگ تاریخی را در رابطه به مورد حمایت قرار دادن سیستم مستحکم مالی روی دست گرفت تا ظرفیت های مسلکی را افزایش داده و روند توسعه سکتور مالی را سریعتر سازد. روی همین منظور روز چهار شنبه ۱۹ عقرب سالروان اولین انستیتوت مالی و بانکداری افغانستان افتتاح شد. در محفلی که بدین مناسبت در محوطه تعمیر انستیتوت مالی و بانکداری افغانستان به اشتراک محترم عبدالقدیر فطرت رئیس کل د افغانستان بانک، محترم الحاج محمد عیسی طراب معاون دوم د افغانستان بانک، محترم خلیل الله صدیق رئیس اتحادیه بانکداران افغانستان، محترم داکتر اندریو هوک رئیس انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان، محترم سید سلیمان فاطمی رئیس هیئت عامل موسسه حرکت، خانم کاترین فقیری رئیس هیئت عامل اداره مسفا، محترم ریاض الاسلام سر گروپ در بانک جهانی، محترم زلمی شیر زاد مدیر پروژه های استحکام مالی، روسای بانکهای تجارتي، آمرین دیپارتمنت های د افغانستان بانک و تعدادی از نمایندگان رسانه ها تدویر گردیده بود.

ابتداء محترم عبدالقدیر فطرت رئیس کل د افغانستان بانک در مورد میکانیزم و روند تأسیس انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان گفت:

در طول سه دهه جنگ در افغانستان نظام تعلیمی و تحصیسی بی‌بهره تخصصی از همه بیشتر زبان و صدمات را متقبل شده است، اکثریت تحصیل کرده ها به کشور های دیگر پناه برده اند میتوان گفت یک مغز شویی کامل در کشور صورت گرفت اما با آمدن اداره موقت تحت ریاست جلالتمآب حامد کرزی در تمام ساحات کشور پیشرفت ها رونما شد که از آنجمله در بخش های تعلیم و تربیه که امروز اضافه از هفت میلیون دانش

حتی در بعضی جاها اصلاً وجود ندارد. در حالیکه ستون فقرات یک بانک را اتحاد بانکها و در نظر داشتن ارزش های بانکی تشکیل میدهد این انستیتیوت بانکداری است که برای شاگردان این آموزش را خواهد داد که معنی آن چه است و چه اثرات را در پیشبرد خدمات بانکی دارد و در وجود یک بانک سالم و دارای اعتماد چه رول را بازی میکند. آقای صدیق علاوه کرد: اتحادیه بانکهای افغانستان با درک این موضوع کاملاً پشتیبانی عمیق و همه جانبه خود را به انستیتیوت مالی و بانکداری افغانستان اعلام میدارد همچنان به بانک مرکزی افغانستان اطمینان میدهم که اکنون تمام بانکهای کشور درک کرده اند که تطبیق همه قوانین بانکداری افغانستان ارزش مهمی خواهد داشت و ما سعی و تلاش خواهیم نمود تا این کلتور و فرهنگ را از طریق اتحادیه بانکداران افغانستان به تمام بانکها رایج سازیم تا کاملاً مطیع قوانین باشند و هیچ نوع تخطی را از نورم و اصول بانکداری اجازه ندهند.

محترم داکتر اندریو هوک رئیس انستیتیوت بانکداری و مالی افغانستان هم صحبت نموده گفت: قابل یاد آور است که افغانستان در عرصه سکتور مالی رشد و توسعه چشمگیری داشته است، ولی به خاطر تقویت و رشد هر چه بیشتر این نظام، نیاز مبرم به آموزش بانکر های مسلکی و مدیران ماهر در بخش تمویل تشبثات کوچک دیده میشود بعداً محترم سید سلیمان فاطمی رئیس هیئت عامل موسسه حرکت، محترم ریاض الاسلام سر گروپ در بانک جهانی و همچنان خانم کاترین فقیری رئیس هیئت عامل اداره مسفا نیز در رابطه به موضوع صحبت نمودند

در پایان محفل، انستیتیوت بانکداری و مالی افغانستان با قطع نوار توسط محترم عبدالقدیر فطرت رئیس کل د افغانستان بانک، محترم الحاج محمد عیسی طراب معاون دوم د افغانستان بانک، محترم خلیل صدیق رئیس اتحادیه بانکداران افغانستان، محترم داکتر اندریو هوک رئیس انستیتیوت بانکداری و مالی افغانستان، محترم سید سلیمان فاطمی رئیس هیئت عامل موسسه حرکت، خانم کاترین فقیری رئیس هیئت عامل اداره مسفا و محترم ریاض الاسلام سر گروپ در بانک جهانی افتتاح شد. ●

کارمندان بانکهای افغانستان، برای ۲-۳ سال رهنمایی و در امر آموزش مربیان بین المللی که در آینده نزدیک با سه نفر مربیان افغانی یکجا کار و فعالیت مینمایند کمک و یاری می رسانند تا بعداً امور محوله را مربیان افغانی برعهده بگیرند. همچنان بر اثر توجه جلالتمآب رئیس جمهور افغانستان هشت جریب زمین در اختیار انستیتیوت بانکداری و مالی افغانستان قرار گرفت که به نمایندگی از شما از صمیم قلب اظهار سپاس میدارم، زمین مذکور از جانب شراولی تثبیت گردیده و عنقریب کار اعمار تعمیر آن شروع خواهد شد.

تعمیر مذکور دارای دو لپله نسوان و ذکور و امکانات یک انستیتیوت مدرن و عصری را دارا می باشد، انستیتیوت بانکداری و مالی افغانستان الی دو سال آینده کورس های قصیر المدت خطرات مالی، قرضه دهی، اعتبارات، قرضه های رهنی، انتقالات و سایر بخش های بانکداری را به استندردهای بین المللی فراهم خواهد کرد و بعداً ما تلاش مینمائیم تا به کمک پوهنتونهای افغانستان بویژه پوهنتون امریکایی افغانستان یک نصاب تعلیمی و پروگرام ماستری را در بخش های اقتصاد و اداره مالی آماده کنیم، ناگفته نسیاید گذاشت که انستیتیوت بانکداری و مالی افغانستان شاگردان را از نهاد های بانکداری، سکتور مالی و اقتصادی در بدل پرداخت فیس خواهند پذیرفت.

بعداً محترم خلیل صدیق رئیس اتحادیه بانکداران افغانستان در رابطه چنین گفت: بانکها در افغانستان عمر طولی ندارند. شش سال از عمر بانکهای تجارتی میگذرد، شش سال مدت زیادی نیست که توقع کلی از بانکها داشته باشیم اما شکی نیست که به کمک و رهنمایی بانک مرکزی طی شش سال اخیر تأسیسات قوی برای یک بانکداری سالم گذاشته شده است. قسمیکه همه میدانیم هنوز در بانکها مشکلات اساسی وجود داشته فرهنگ کمک و خدمت به مشتریان در بانکها ضعیف است. این انستیتیوت بانکداری و مالی افغانستان است که شاگردان را در این عرصه رهنمایی کند که چطور مشتریان را به بانک جلب و خدمات بانکی را عرضه کرد و چطور شبکه بانکی را در تمام ساحات کشور انکشاف داد.

یکی از ارزش های اساسی در کشور و تمام جهان اتحاد بانکها و در نظر داشتن ارزش های بانکی است که متأسفانه در کشور ما ضعیف میباشد و



## د افغانستان بانک ځینو ادارو لپاره د نوې ودانۍ د بنسټ ډبره کېښودل شوه

ډیپارټمنټونه ورزیات شول لکه: د افغان اماناتو د بیمې اداره چې په سوداگریزو بانکونو کې د اماناتو د بیمې مسؤلیت لري او په دې برخه کې کار کوي، د عامه اعتباراتو د ثبت اداره چې د پورونو د اجراء په برخه کې دنده تر سره کوي ترڅو مشتریانو ته د پورونو ورکړه شفافه او عادلانه وي او وکولای شي بنسټونو ته په سم تضمین سره پورونه ورکړي، د بانکدارۍ سکټور له پورونو څخه خلک مستفید شي او همدا ډول د مالي راپورونو د څېړنې اداره چې د تروریزم له تمول، د پیسو د تطهیر او د جرمونو څخه د عوایدو د ترلاسه کولو په وړاندې د مبارزې د مخنیوی په برخه کې کار کوي.

او د بلې پوښتنې په ځواب کې یې وویل: که څه هم نن ورځ زمونږه اسعاري زېرمې له ۴،۷ ملیارده ډالرو څخه زیاتوالی موندلی دی چې دا شمېره د افغانستان په تاریخ کې یې سارې گڼل کېږي. ●



د روان کال د لړم د میاشتې په اتمه نېټه د افغانستان بانک د یو شمېر ادارو لپاره د نوې ودانۍ د بنسټ ډبره د کابل ښار د دریمې ناحیې مربوط د دهمزنگ په سیمه کې کېښودل شوه.

دغه غونډه چې په همدې مناسبت د یادې شوې ځمکې په محوطه کې جوړه شوې وه په کې ښاغلي عبدالقدیر فطرت د افغانستان بانک د ټولو رئیس، د سوداگریزو بانکونو رئیسانو، د کابل ښاروالۍ او د ښاري پرمختیا د وزارت استازو، د افغانستان بانک د ادارو آمرینو، د بهود احمدی ودانیز شرکت کارکوونکو او د ټولیزو رسنیو یو شمېر استازو گډون کړی ؤ، په پیل کې ښاغلي عبدالقدیر فطرت د افغانستان بانک د ټولو رئیس د موضوع اړوند خبرې وکړې او وېې ویل: د افغانستان بانک ودانۍ ډېر تاریخي لرغونتوب لري چې شاوخوا یوه پېړۍ په بر کې نیسي او د همغه وخت د اړتیاوو او غوښتنو سره سم رغېدلې ده، اوس مهال چې مونږ د بیا رغولو او جوړولو په حال کې یو او د افغانستان بانک هم د خپل پرمختگ بهیر پیل کړی او د نورو هېوادونو له مرکزي بانکونو سره په قطار کې ودریدلای، نو د افغانستان بانک په تشکیل کې د یو شمېر نوو ډیپارټمنټونو جوړولو ضرورت اړین گڼل کېږي، که څه هم مونږ ځینې ډیپارټمنټونه جوړ کړي چې په عمده او مهمو برخو کې کار کوي لکه: د عامه اعتباراتو د ثبت اداره، د افغان اماناتو د بیمې اداره، د مالي راپورونو د څېړنې او داسې نورې... چې د نوموړو ادارو لپاره د افغانستان بانک په ودانۍ کې ځای ناشونی ؤ، مونږ چې نن ورځ د کومې ودانۍ د بنسټ ډبره ږدو، دغه ودانۍ د زر متر مربع ځمکې په ساحه کې د بهود احمدی ودانیز شرکت لخوا په پاخه او اساسي ډول جوړېږي. د دغه ودانۍ د جوړولو کار په یو کال کې بشپړېږي او لگښت یې شاوخوا ۴۰ ملیونه افغانۍ د افغانستان بانک له بودجې څخه ورکول کېږي چې زمونږه یو څه ستونزې به له دې ناحیې څخه حل شي.

په پای کې د پټي په پرې کولو سره د افغانستان بانک د ټولو رئیس د یادې شوې ودانۍ د بنسټ ډبره کېښودله او بیا یې په مطبوعاتي کنفرانس کې د رسنیو له خبريالانو سره گډون وکړ چې:

د طلوع تلویزیون د خبریال د پوښتنې په ځواب کې یې وویل: د نړۍ له مرکزي بانکونو سره د افغانستان بانک د معیاري کېدلو د اړتیاوو سره سم د افغانستان بانک په تشکیل کې یو شمېر

# د افغانستان بانک قانون

تنظیم، لغوه او احتیاطي معیارونه

**څلورمې نويې ماده:**

(۱) د د افغانستان بانک د دې قانون په نېه نويې یمه ماده کې د درج شوو هدفونو د په نظر کې نیولو سره د بها لرونکو سندونو د خدمتونو د وړاندې کوونکو د تنظیمولو او نظارت مسؤل دی.

(۲) د د افغانستان بانک کولای شي چې د بها لرونکو سندونو د خدمتونو وړاندې کوونکي نظارت کړي او لاندې شرایط پر هغوي باندې وضع کړي:

۱- د احتیاطي مقرراتو رعایتول چې د هغه مطابق د بهالرونکو سندونو خدمتونه ترسره کېږي، د هغو مقرراتو په ګډون چې د بهالرونکو سندونو د خدمتونو د وړاندې کوونکو او د هغو له مجریانو څخه د د افغانستان بانک د نظارت د آسانولو لپاره د عامه شتمنیو د ساتنې چې د دې وړاندې کوونکو په امانت کې دي.

۲- د دولت مربوطې ادارې ته د هغو معاملاتو د رپوټ وړاندې کول چې ارزښت یې د ټاکل شوي حد اقل مبلغ څخه تجاوز وکړي.

۳- هغه مبالغ او بهالرونکي سندونه چې د بهالرونکو سندونو د خدمتونو وړاندې کوونکو پوروالي (مقروضیت) خپلو مشتریانو ته تشکیلوي، له هغو شتمنیو او بهالرونکو سندونو څخه چې د نورو مشتریانو په حسابونو کې کږدیت کېږي او په جلا ډول ساتل کېږي، د نورو مشتریانو په پورونو (بدیهیو) یا په خپله د بهالرونکو سندونو د وړاندې کوونکو په بدیهیو کې د وجوهو یا بهالرونکو سندونو په ورکړه کې ورڅخه ګټه نه شي اخیستل کېدای.

بانکونه له دې ګټې څخه متصني دي.

په عامه وړاندې کونه (عرضه) او د بها لرونکو سندونو په پلورنه کې محدودیت

**پنځمې نويې ماده:**

(۱) هېڅ شخص نه شي کولای په مستقیم یا غیر مستقیم ډول د هغو بهالرونکو سندونو د پلورونې یا پېرودنې یا د هغه د خدمتونو د وړاندې کولو په اړه فعالیت وکړي کوم چې د د افغانستان بانک د ثبت په عام دفتر کې نه دي ثبت شوي. استثنایي حالات او شرایط

له مربوطو مقرراتو سره سم تنظیمېږي.

(۲) د د افغانستان بانک کولای شي د دې مادې په (۱) فقره کې درج د ثبت د ساتلو لپاره شرایط د هغو شرایطو په ګډون چې د بهالرونکو سندونو او د هغه د صادرېدونکو په هکله ټولو (عمومي) ته د معلوماتو د وړاندې کولو په هکله وي، وضع کړي.

(۳) د د افغانستان بانک کولای شي د بهالرونکي سند ثبت د منظور شوي بهالرونکي سند په توګه تر دې شرایطو لاندې لغوه کړي:

۱- په هغه صورت کې د بهالرونکي سند صادرېدونکي، د مستقل شخصیت په توګه خپل موجودیت له لاسه ورکړي یا د محکمې له خوا د دیونو له ورکړې څخه عاجز یا ورشکسته اعلان شوی وي.

۲- په هغه صورت کې چې د بهالرونکي سند بازاری ارزښت له شلو افغانیو څخه کم وي.

(۴) د هغه بهالرونکي سند راکړه ورکړه چې ثبت شوي نه وي، باطل ګڼل کېږي. په هغه صورت کې چې راکړه ورکړه تسویه شوې وي، پېرودونکي کولای شي بهالرونکي سند د ورکړل شوي قیمت په بدل کې د سند پلورنکي ته پرته له دې چې، حق العمل، فیس یا د هغه نور لګښتونه تر لاسه کړي، مسترد کړي.

د بها لرونکو سندونو د لېږدولو سیستمونه

**شپږمې نويې ماده:**

(۱) د د افغانستان بانک مکلف دی چې د بهالرونکو سندونو سالم او اغېزمن سیستمونه رامنځ ته کړي، ویې ساتي او هغه ته پراختیا ورکړي.

(۲) هغه اشخاصو چې د فعالیت جواز یې له د افغانستان بانک تر لاسه کړی وي، نه شي کولای د بها لرونکو سندونو په لېږدونه کې تشبث وکړي.

(۳) د د افغانستان بانک د بها لرونکو سندونو د لېږدونې او د هغه مجریانو د جواز د صادرولو، تنظیمولو او نظارت مسؤل دی.

(۴) د د افغانستان بانک کولای شي چې لاندې شرایط د بها لرونکو سندونو د لېږدونې په سیستمونو او د هغه پر مجریانو باندې وضع کړي: ●

## اثرات متفاوت بحران در کشور های متعدد جهان

نرخ مبادله متغیر، بعضی کشور ها را در جریان بحران مالی از صدمات بحران محفوظ نگاهداشت این در حالیست که بعضی کشور های دیگر که دارای نرخ مبادله ثابت بودند قیمت گزافی را در مقابل بحران پرداختند.

### دامنه بحران چطور گسترش می یابد؟

چندین طریقه موجود است که بحران را از کشور های مرفعی به سایر کشور های جهان انتقال میدهد از جمله از طریق ارتباطات تجاری بطور مستقیم و از طریق روابط مالی اما کشور هایی که بیشتر احتمال می رود تا بحران به آنها صدمه جدی وارد کند و به زودترین فرصت در اقتصاد آنها نفوذ پیدا کند، کشور هایی اند دارای حسابات جاری کسری، مقروضیت و دارای ذخایر کم، برعکس کشور هایی که دارای پالیسی های مؤثر اقتصادی مانند نرخ مبادله متغیر، موقف قوی مالی و چهار چوب منظم کاری میباشند، در مقابل بحران آنقدر زیانمند نشده و به خوبی میتوانند در مقابل آن مبارزه نمایند، قسمیکه در جریان بحران گذشته آنده از کشور هایی که دارای سیستم متغیر تبادل بودند نسبت به آن کشور هایی که بیشتر از سیستم تبادل ثابت استفاده میکردند، کمتر متضرر گردیده و به زود ترین فرصت توانستند تا حالت اولی اقتصادی و مالی خود را حفظ نمایند.

سهم ذخایر بین المللی تبادل ارز خارجی از جهات مختلفی چون: سهم محصول ناخالص داخلی، صادرات و قرضه های کوتاه مدت، مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفت اما کدام تأثیر قابل ملاحظه و احصائیوی بالای بازبینی رشد نداشته است.

در واقع سطح ذخایر جهانی در بیشترین کشور هایی که دارای بزرگترین آمار بازبینی رشد مانند کشورهای اروپای شرقی و مرکزی بودند مشابه به ذخایر کشور های امریکای لاتین اند که کمتر متأثر گردیده اند.

در عرصه سیاست مالی، با وجودیکه مدارک کمتر قوی به نظر میرسند اما نشانه های تغییر در مراحل ابتدایی سیاست مالی مثبت بوده و توأم با رشد خوبیتری ثبت شده است. این به این معنی است که آنده از کشور هایی که قبل از بحران مالی دارای سیاست های مالی محتاطانه بوده اند از اثرات منفی بحران مالی در امان بوده و موقف خود را با راه اندازی تدابیر منظم و موثر حفظ کردند.

چرا بعضی کشور ها نسبت به یک تعداد دیگر در اثر بحران مالی بیشتر متضرر شدند؟

بحران مالی جهانی که از کشور های مرفعی آغاز شد در جریان سال های ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ اثرات نامطلوبی بالای سایر کشور های جهان بجا گذاشت و هر کدام به نوبه خویش در مقابل این بحران خسارات هنگفتی را متقبل شدند این درحالیست که یک تعداد کشور ها از اثرات منفی بحران کمتر متأثر گردیدند.

آیا فعالیت های تجاری و مالی توأم با موثریت و اقتصاد قوی این کشور ها باعث شد تا آنها را از بحران مالی جهانی نسبت به کشور های دیگر مجزا سازد یا چطور؟

برای بازیافت این فرضیه و تشخیص عواملی که این کشور ها را از موج شدید بحران به ساحل نجات رهنمون شد ما محصول ناخالص داخلی ۴۰ مارکیت در کشور های روبه ظهور اقتصادی و ۱۲۰ مارکیت از کشور های مرفعی اعم از رشد قبل از بحران و پیشگویی بعد از بحران را مورد تجدید نظر قرار دادیم.

بعد از تجدید نظر و ارزیابی، ما اهمیت یک بخش عمده عوامل را دریافتیم که در پیش نگری موارد فوق نشان دهنده تغییرات در نحو پیش گویی ها و اندازه گیری اقتصاد بکار رفته است.

جهت محاسبه تغییر رشد در ماه های جنوری و جون سال ۲۰۰۸ و جنوری و جون سال ۲۰۰۹ ما پروژه های تحلیلی خصوصی را راه اندازی نمودیم ناگفته نباید گذاشت که جهت نیل به این هدف ما از پیش نگری های چشم انداز اقتصادی صندوق بین المللی پول نیز استفاده نمودیم.

رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۹ از (۱۸ -) فیصد به (۱۵ -) فیصد به ثبت رسیده و کشور های اروپای شرقی و آسیای میانه را در یک حالت نا به سامان اقتصادی قرار داده است که روند رشد در این کشور ها را به کندی مواجه ساخته و نسبت به کشور های دیگر جهان بیشتر متضرر نموده است.

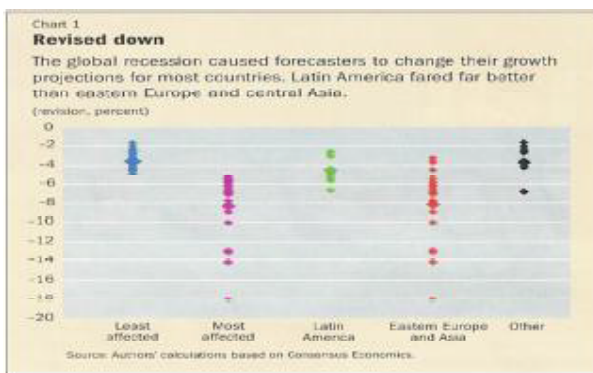
از جریان تحقیقات و تحلیل های اقتصادی چنین استنباط میشود که کشور های دارای قسمت زیاد نسبت بدهی به دارایی خالص در سیستم مالی داخلی شان و اشاعه بیشترین قرضه به سکتور خصوصی بیشتر زیانمند شدند.





کمر متضرر گردیدند. بصورت کلی، از موارد فوق چنین استنباط میشود که بحران ها در کشور های دارای عواید کم به زود ترین فرصت انتقال می یابد، زیرا آنها روابط تجاری با کشور های متری دارند، جائیکه بحران ها از آنجا سر چشمه میگیرد و بعد ها در اثر تعاملات تجاری از یک کشور به کشور دیگر انتقال می نماید. از اینجاست که گفته میشود تجارت مالی که در اخیر سال ۲۰۰۸ به سرعت تمام کاهش یافت، یک چینل مالی بوده که تقریباً تمام اقتصاد ها را چه کشور های متری، رو به انکشاف و نیمه متری تحت تأثیر خود قرار داد. ●

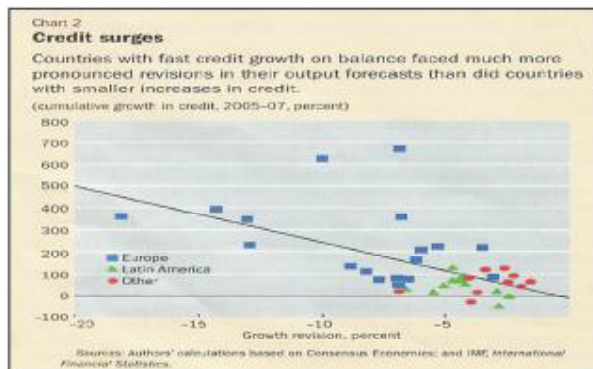
ترجمه از: مجله فایننس ایند دیولوپمنت



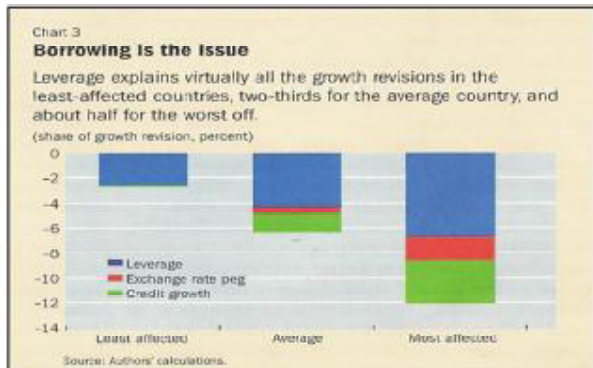
تجارت مالی که در اخیر سال ۲۰۰۸ به سرعت تمام کاهش یافت، یک چینل مالی بود که تقریباً تمام اقتصاد ها را تحت تأثیر خود قرار داد

بحران مالی جهانی روابط تجاری بین کشور های جهان را در یک حالت شکننده قرار داد، طوریکه بخش اجناس، مواد غذایی و در کل صادرات به رکود مواجه شده و از طرف دیگر کارخانه ها و صنعت نیز به مشکلات دست و گریبان شدند که این روند کشور هایی را که صادر کننده مواد صنعتی به کشور های متری بودند سخت متضرر نمود، زیرا تقاضا در مارکیت برای صنعت آنها وجود نداشت این در حالیست که کشور های صادر کننده مواد غذایی از جریان این روند

**امریکای لاتین نسبت به اروپای شرقی و آسیای میانه کمتر متضرر گردیده است.**



**کشور هایی که رشد سریع در میزان قرضه داشته اند نسبت به کشور هایی که کمتر رشد در میزان قرضه خود دارند، بیشتر مورد تجدید نظر و بازبینی رشد قرار گرفتند.**



**چارت ذیل نشان دهنده رشد مجموعی در کشور هایی که کمتر متضرر شده، رشد دو سوم حصه در کشور هایی که نیمه متضرر شده و نصف در کشور هایی که بیشتر متضرر شده اند، میباشد.**

# صعود قیمت مواد محروقاتی و مشکلات حاصله از آن

(هشتاد سیر) حدود پنجهزار تا پنجهزار و پنجهصد افغانی در بازار کابل بفروش میرسد، حال شما خود قضاوت نمایند کسی که در یک ماه ده هزار افغانی عاید دارد، با در نظر داشت کرایه خانه، مواد غذایی، لباس، ادویه و ... چگونه می تواند برای مصرف سوخت فصل سرما پول آماده سازد از سوی دیگر، چوب فروشی های متعدد با نرخ های مختلف، چوب های دستداشته های خود در معرض فروش قرار میدهند هر چوب فروش مطابق نظر و سلیقه خود بالای چوب قیمت تعیین مینماید زیرا میدانند هیچ مرجعی از او درین باره بازخواست نمی کند.

قیمت های تمام مواد سوختی امسال بیداد میکنند و نسبت به سالهای گذشته فوق العاده بالا رفته است مثلاً قیمت فی کیلو گاز، درین روزها به پنجاه و پنج افغانی و قیمت فی سیر زغال به دو صد افغانی رسیده است اما چون زیاد ترین موارد استفاده مواد سوختی را در کشور ما، چوب و زغال در بر می گیرد و زغال نیز فرآورده چوب است، ازینرو چگونگی وضعیت چوب را مورد بحث قرار میدهم.

اکثریت مردم در شرایطی زندگی میکنند که پول درآمد خود را به مشکل بالای مواد اولیه، مواد سوخت و دیگر ضروریات تقسیم کرده و بمصرف میرسانند.

نقیب الله یکتا از کارمندان دولت که میخواست برای زمستان چوب خریداری نماید گفت: نمی دانم چه کنم؟ معاش ماموریت را ببینید و این قیمتی چوب و زغال را، بخدا برای اینکمه چوب ارزانتر پیدا کنم نصف شهر کابل را گشته ام و هنوز هم قیمت مناسب نیافته ام.

یکی از چوبفروشان در چهارراهی سرسبزی تایمینی وات



گرانی مواد محروقاتی و غذایی به یکی از مهمترین معضلات در سطح جهان مبدل گردیده است.

کارشناسان گرانی مواد سوختی و غذایی را ناشی از تغییرات اقلیمی، افزایش نفوس جهان، خشکسالی و ... از مهمترین این عوامل بشمار میرود، برخی کارشناسان، رکود اقتصادی امریکا و جهان را نیز درین امر دخیل میدانند. اما بحران گرانی در وطن ما ... افزایش بیش از حد مواد خصوصاً مواد محروقاتی و غذایی در مجموع مصارف زندگی با شرایط فعلی کشور ما، بسیار سخت و توانفرسا گردیده است.

بحران گرانی و افزایش مواد اولیه و مواد سوخت در کشور های توسعه یافته و صنعتی، چندان اثر گذار نیست اما در کشور های کمتر توسعه یافته یا رو به توسعه باز هم درین میان کشوری مانند افغانستان که همیشه با این مشکلات روبرو بوده است این مشکلات عمیقتر احساس می گردد.

در کشور ما مردم با سطح عاید کم، خصوصاً کارمندان دولت دارای عاید ثابت و هموطنان کارگر روز مزد، با هر موج گرانی مواد اولیه و مواد محروقاتی در فصل سرما مانند بید لرزیده و خواب راحت خود را از دست داده اند. در کشور های در حال توسعه مثل افغانستان از هر چهار، یک طفل بر اثر گرسنگی در معرض مرگ قرار دارد، مطابق احصائیه ها، بین ۲ تا ۳ قسمت جمعیت افغانستان از فقر شدید رنج میبرند.

مردم ما از نقطه نظر اقتصادی همیشه با مشکلات و محرومیت مواجه بوده اند از سالهای دور بدینسو این روال ادامه داشته است. مواد سوختی را در افغانستان عموماً چوب، ذغال، تیل و گاز تشکیل میدهد. در حال حاضر قیمت فی خروار چوب بلوط



خلورم کال، یو څلویښتمه گڼه د ۱۳۸۹ کال د لړم میاشت

درین رابطه اظهار داشت:

قیمتی را ما هم خوش نداریم. اگر چوب را به قیمت پائینتر بدست آورده بتوانیم فروش ما زیاد تر میشود. خودتان فکر کنید ما چوب را از وزیرستان جنوبی پاکستان میآوریم، چوب تا اینکه از پاکستان به افغانستان میرسد، چقدر جنجال دارد و تا اینجا با مشکلات زیاد میرسد علت بلند رفتن قیمت چوب چند چیز است مثل: بلند بودن نرخ چوب در خود وزیرستان، کم ارزش شدن کلداری، خراب شدن راه های مواصلاتی در اثر سراسر شدن سیلابها، اخاذی های غیر قانونی در ده ها نقطه راه از سرحد تا شهر کابل.

موصوف در رابطه به اینکه چرا از منابع داخلی (ولایات جنوبی) چوب به مقدار کم برای فروش به کابل میرسد گفت:

جنگلات ولایات جنوبی وطن ما اگر چه در گذشته بسیار زیاد و چوب آن بسیار اعلی بود، اما درین اواخر نسبت بی توجهی، بسیار کم شده که کم شدن این جنگلات علت های زیاد دارد که یکی از آنها قطع کردن این درختان بصورت غیر قانونی توسط افراد استفاده جو و قاچاق آن به کشور پاکستان میباشد.

یک علت دیگر هم وجود دارد که باعث بلند رفتن قیمت چوب و تمام اجناس شده و آن قیمت شدن نرخ تمام مواد مورد ضرورت میباشد که در تمام جهان قیمت جنس ها بالا رفته است.

مثلاً: یک کیلو بوره چند ماه قبل سی افغانی بود در حالیکه فعلاً یک کیلو بوره به شصت افغانی بفروش میرسد، یعنی دو چند بالا رفته همین طور تمام مواد و چوب نیز قیمت گردیده است.

آنچه نوشتیم یک نمونه کوچک از مشکلات مردم نسبت گرانگی مواد خصوصاً مواد سوخت زمستانی بود.

ازینرو از تمام مقامات مسؤل دولتی خصوصاً ریاست محترم اطاق تجارت و صنایع و وارد کنندگان چوب تقاضا داریم تا درین قسمت عطف توجه کرده و برای حل این مشکل مردم عزیز از هیچگونه سعی و تلاش دریغ نوزند.

محمد کبیر کاووسی

## رقابت شدید میان دالر امریکایی و یوان چینی

واحد پول جمهوری مردم چین یوان نام دارد که بانک مرکزی خلق چین آن را منتشر می کند واحد فرعی آن جیانو و فن است. هر یوان برابر به ده جیانو و هر جیانو مساوی به ده فن است. بانکوتهای های یوان چین شامل یک یوانی، دو یوانی، پنج یوانی، ده یوانی، پنجاه یوانی و یک صد یوانی است و بانکوتهای جیانو نیز یک، دو و پنج جیانو است.

چین دارای سکه های یک، دو و پنج فنی است علامت مخفف یوان ( ښ مین بی ) تبدیل ارز در چین به ارز های کشور های دیگر شامل: دالر امریکا، پوند انگلیس، فرانک فرانسه، مارک آلمان، ین جاپان، دالر استرالیا، شیلینگ اطریش، فرانک بلجیم، دالر کانادا، فرانک سویس، کرون دنمارک، گولدن هالند، کرون ناروی، کرون سویدن، دالر سنگاپور، رینگیت مالیزیا، لیره ایتالیا و غیره قابل مبادله است. طبق قانون ارز در کشور چین، در داخل مرز آنکشور، گردش ارز و تسویه حساب ارزی ممنوع است. به منظور ایجاد تسهیلات برای مهمانان و هموطنان هانکا نگی، مکایویی و تایوانی در این کشور برای استفاده از پول، بانک چین و سایر بانکهای مشخص ارزی، علاوه بر انجام کارهای مربوط به چک های مسافرتی و تبدیل اعتبار نامه بانکی به یوان ترتیب میگردد، علاوه بر آن تسهیلات برای کسانی که ( در بعضی هوتلها و یا فروشگاه ها ) که به تبدیل پول نیاز دارند این کار انجام می گیرد.

پس از تبدیل ارز، مهمانان هنگام ترک این کشور می توانند با سند رسید تبدیل ارز که اعتبار آن شش ماه است پول خود را به ارز تبدیل کنند. تبدیل ارز در این کار انجام می گیرد.

پس از تبدیل ارز، مهمانان هنگام ترک این کشور می توانند با سند رسید تبدیل ارز که اعتبار آن شش ماه است پول خود را به ارز تبدیل کنند. تبدیل ارز در این کار انجام می گیرد.

پس از تبدیل ارز، مهمانان هنگام ترک این کشور می توانند با سند رسید تبدیل ارز که اعتبار آن شش ماه است پول خود را به ارز تبدیل کنند. تبدیل ارز در این کار انجام می گیرد.



است که این کشور برای ثبات بازار مالی جهانی و توسعه اقتصادی آن ایفا می‌کند.

اکنون که بحران مالی بین‌المللی به طور جدی بر توسعه اقتصادی جهان هجوم آورده است، تأثیرات منفی آن بر اقتصاد چین نیز واضح تر و جدی تر می‌شود اما هنوز چین به عنوان تکیه گاهی برای اقتصاد بحران زده جهان محسوب می‌گردد؛ اگر چین نتواند زیر فشار این بحران دوام بیاورد، اقتصادش دچار بحران شود و چین در مقایسه با سایر کشورها از این بحران آسیب کمتری خواهد دید. زیرا این کشور با توجه به مزاد بودجه و حساب جاری، بدهی اندک دولتی و پس انداز زیاد مردم از مصونیت بیشتر و مطمئن تری برخوردار است. ذخایر ارزی ۲ تریلیون دلاری این کشور در سال گذشته میلادی به کمک مزاد حساب جاری و سرمایه گذاری مستقیم خارجی، ۷۰۰ میلیارد دلار افزایش یافت.

در رابطه به نرخ یوان کشور امریکا می‌گوید: چین اکنون متعهد است که اجازه دهد ارزش یوان افزایش یابد.

به قول امریکا چین ارزش واحد پولی خود، یوان را به طور مصنوعی پائین نگاه می‌دارد تا صادرات خود را تقویت کند، اما این مساله را اقتصاد دانان چینی رد می‌کنند.

برخی از اقتصاد دانان می‌گویند که ارزش یوان ۲۰ درصد پائین تر از میزان واقعی نگاه داشته می‌شود.

در توافق اخیر کشورهای گروه ۲۰ هیچ جدول زمانی برای تغییر بهای ارزها تعیین نشد و به این ترتیب چین توانست همچنان بر موضع همیشگی افزایش تدریجی و دراز مدت ارزش یوان تأکید کند.

همزمان نرخ پائین بهره در امریکا نیز موجب شده بسیاری از سرمایه گذاران برای کسب سود بیشتر به کشورهای در حال توسعه متمایل شوند که این موجب پایین آمدن ارزش دلار می‌شود. همچنان صندوق بین‌المللی پول خواستار افزایش ارزش یوان چین شد

رئیس صندوق بین‌المللی پول از درخواست امریکا و اروپا برای افزایش ارزش یوان چین کاملاً حمایت کرد.

عدم افزایش ارزش یوان چین، تأثیر مهمی در گسترش بی ثباتی تجاری و اقتصادی در عرصه مبادلات تجاری بین‌المللی داشته ارزش یوان چین هم اکنون بسیار کمتر از ارزش واقعی آن است.

افزایش ارزش یوان می‌تواند کمک بزرگی به برقراری تعادل و ثبات در اقتصاد جهانی داشته باشد.

کشور چین از اواسط سال ۲۰۰۸ میلادی تا کنون ارزش یوان را در برابر دلار تثبیت کرده است. همچنان طی ماههای اخیر تحت فشارهای شدید بین‌المللی برای افزایش ارزش یوان و تجدید نظر در خصوص سیاستهای ارزی قرار دارد.

بانک جهانی نیز در تازه ترین گزارش خود از چین خواست تا اجازه دهد ارزش یوان افزایش یابد.

بر اساس گزارش بانک جهانی، افزایش ارزش یوان موجب کنترل و

امریکا از لحاظ اقتصادی بر جهان تسلط نداشته است. برخی ها اقتصاد پیشرفته ایالات متحده امریکا را مد یون نفوذ فوق العاده سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی شان در سراسر جهان می‌دانند. علما می‌گویند که امریکا نیز می‌بایست به شدت به دنبال حفظ وضع اقتصادی خود باشد و شاید برای این کار، بهای بسیار سنگینی هم بپردازد. باید گفت: در سال های اخیر چین صادرات گسترده ای به امریکا داشته است؛ در حالی که بیشتر واردات خود را از کشور های آسیایی انجام داده که همین امر اعتراض گسترده سیاستمداران امریکایی را در پی داشته است.

به عقیده علمای امریکایی، با ورود کالاها کم بهای چینی به مارکیت های مصرفی جهان، بسیاری از شهروندان امریکایی شغل خود را از دست داده اند. اروپا نیز در خلال چند سال گذشته در موازنه تجاری خود با چین، در واقع، یوان چین به واسطه افزایش نرخ برابر یورو در برابر دلار و دنباله روی آن از کاهش ارزش دلار، به شدت در برابر یورو ضعیف شده و همین امر یک نقش رقابتی بسیار استثنایی را در اختیار صادرکنندگان چینی نسبت به همتایان اروپایی آنها قرار داده است.

گفتنی است، در سال ۱۹۹۴ کشور چین نرخ برابری یوان را در برابر دلار امریکایی تثبیت کرد. قبل از این، یوان پیوسته در برابر دلار کاهش یافت. بعداً تغییر چندانی در نرخ یوان در مقابل دلار بوجود نیامد و فعلاً هر دلار امریکایی در برابر ۸/۲۸ یوان مبادله می‌شود. این در حالی است که فشارهای بین‌المللی بر کشور چین برای خروج از این سیستم همچنان ادامه دارد. حتی در جریان نشست اخیر ۸ کشور صنعتی جهان که چین نیز به عنوان مهمان دعوت شده بود، اعضای گروه مذکور از این کشور خواستند تا به هر صورت ممکن تغییرات جدی را در این سیستم به میان آورد.

چین در فکر این است که روزی یوان، واحد پول معاملات بین‌المللی شود اولین مرحله از گذار اقتصادی چین در سال ۱۹۷۸ در زمان دنگ شائو پینگ انجام شد. وی برای مقابله با مشکلات اقتصادی که از دوران مائو باقی مانده بود به اقتصاد بازار روی آورد. مرحله مهم بعدی این گردش در سال ۱۹۸۵ با تقاضای عضویت چین در WTO انجام گرفت که پس از ۱۴ سال درگیری با امریکا در سال ۱۹۹۹ پذیرفته شد. در سال ۲۰۰۰، خصوصی سازی در بیش از دو، سوم حصه کارخانه های چین انجام گرفت. این موضوع مسلم است که چین به دومین قدرت بزرگ اقتصادی جهان تبدیل شده است و اکنون رؤیای بزرگی در سر دارد که دور از دسترس نیست امروز اقتصاد دنیا امریکایی است، اما احتمال این که در آینده ای نزدیک چینی شود بعید به نظر نمی‌رسد.

می‌توان گفت که بحران مالی جهانی همه کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار داده است. چین نگران کاهش نرخ تجارت و از دست دادن بازار مصرف کالاها تولیدی خود است. در همین راستا این کشور سعی می‌کند همگام با سایر کشورهای صنعتی، در حل این بحران تلاش کند و از تمام امکانات خود برای یافتن راهی برای برونرفت از این بحران استفاده کند. کشور چین اظهار کرده است: حفظ روند مطلوب توسعه اقتصادی در چین، نقش مهمی

ارزش یوان مقاومت کند چرا که افزایش ارزش یوان در شرایط کنونی به ضرر رشد اقتصادی چین خواهد بود.

افزایش تدریجی ارزش یوان می تواند رشد اقتصادی چین را از ۱۰٫۲ درصد به کمتر از ۸٫۴ درصد در سال ۲۰۱۱ کاهش دهد.

در شرایطی که ارزش یورو در برابر دلار به شدت کاهش یافته است بانک مرکزی چین نیز نه تنها باید از افزایش ارزش یوان جلوگیری کند بلکه باید ارزش یوان را بیش از پیش کاهش دهد.

بر اساس این گزارش در شرایطی که اقتصاد جهانی هنوز به رشد و رونق پایدار و با ثبات دست پیدا نکرده مقامهای بانک مرکزی چین نباید ارزش یوان در برابر دلار را افزایش دهند. اگر افزایش ارزش یوان موجب کاهش شدید صادرات چین به امریکا، جاپان و اروپا شود این مساله تاثیر منفی زیادی بر صنایع و به طور کلی اقتصاد چین خواهد داشت.

در واقع کشور چین از اواسط سال ۲۰۰۸ که رکود جهانی شدت یافت نرخ یوان را دوباره ارزش گذاری کرد و به هر دلار امریکایی ۸۳/۶ یوان رساند تا از صادر کنندگان حمایت کرده و به ثبات مالی کشور کمک نماید. در این میان رشد اقتصادی این کشور سرعت گرفت و مخالفت های جهانی را نسبت به سیاست های پولی خود برانگیخت به نظر می رسد این سیاست چین برای مدتی ادامه یابد ولی احتمالاً تا پایان امسال تغییراتی رونما خواهد شد.

دانشمندان می اندیشند که اگر صادرات چین علی الرغم فشارها به راه خود ادامه دهد، ارزش یوان در همین سطح باقی می ماند مگر اینکه تقاضای خارجی رشد چشمگیری داشته باشد. چین همواره بر این امر تأکید داشته که ثبات ارزش یوان در دوره رکود اقتصادی تنها به نفع چین نبوده بلکه به بهبود اوضاع سراسر جهان کمک نموده است. همچنان طبق این برآورد ها تا یک سال دیگر ارزش یوان نسبت به دلار ۳ تا ۵ درصد بالا می رود. در خارج از چین پیش بینی ها حاکی از آن است که ارزش یوان نسبت به دلار تا سال آینده ۷/۲ درصد افزایش خواهد یافت. ماه گذشته نیز رویترز از احتمال افزایش ۳ درصد نرخ یوان تا پایان امسال خبر داده بود به هر حال پیش بینی دقیق این رشد تدریجی احتیاج به بحث و بررسی بیشتری دارد.

در حالی که به احتمال زیاد بانک مرکزی چین به طور غیر علنی ارزش یوان را به تدریج افزایش خواهد داد، برخی اقتصاددانان می گویند احتمالاً مانند سال ۲۰۰۵ با ارزش گذاری جزئی شروع می کنند و به تدریج ادامه خواهد داد در حال حاضر این محدوده بین منفی و مثبت ۵/۰ درصد نسبت به دلار متغیر است.

به هر صورت احتمال رشد ارزش یوان به نفع ارز دیگر کشور های آسیایی است از دلار سنگاپور گرفته تا ین جاپان که رقبای یوان به حساب می آیند پیش بینی میزان تأثیر رشد ارزش یوان بر بازار کالا های مصرفی و ارز های وابسته به آن دشوار است شاید افزایش ارزش یوان در قیمت واردات کمتر شود ولی می توان گفت که رشد اقتصادی چین در کوتاه مدت تحت فشار قرار خواهد گرفت. ●

کاهش فشارهای تورمی در اقتصاد چین خواهد شد.

این بدان معنی است که اگر چه چین نیز از بحران مالی آسیب دیده، قدرت اقتصادی و مالی آن در مقایسه با قدرت اقتصادی و مالی غرب افزایش یافته است. به این ترتیب نفوذ جهانی چین افزایش خواهد یافت و پکینگ قادر خواهد بود به منظور افزایش آن مسئولیت ابتکارهای سیاسی و اقتصادی جهان را برعهده گیرد و چین درحال دستیابی به توافقی خواهد بود که بزرگترین منطقه تجارت آزاد جهان را ایجاد کنند و می تواند گام های بیشتری به سوی وابستگی متقابل آسیایی بردارد و نقش یک رهبر قدرتمند تر را در این منطقه ایفا کند.

اقتصاددانان آلمانی می گویند: پس از تجزیه و تحلیل تحولات اقتصادی در جهان معتقدیم که چین یکی از اولین کشورهایی خواهد بود که از این بحران مالی خارج می شود. چین یک اقتصاد قدرتمند، بازارهای داخلی و خارجی بزرگی در اختیار دارد و کالاهای چینی سهم عمده ای در بازارهای بین المللی دارند. همچنین به خاطر نیروی کاری عظیم آموزش دیده، به پتانسیل خود می بالد. کشور چین اقدامات عاقلانه ای برای رهایی از بحران مالی، رونق اقتصاد و تقویت اشتغال در این کشور تصویب کرده است. چین قبلاً بسته محرک مالی دو ساله ۴ تریلیون یوان ( ۴,۵۸۵ میلیارد دلاری) را تصویب کرده بود که شامل سرمایه گذاری عظیم دولتی، اصلاح امور مالیاتی، تغییر ساختار امور صنعتی، نوآوری های علمی، رفاه اجتماعی و تقویت اشتغال است. چین همچنین مالیات را تا ۶۰ میلیارد یوان کاهش خواهد داد. پیکینگ در ادامه این اقداماتش حقوق معلم و درآمد زراعتی را نیز افزایش خواهد داد و کمک های بیشتری را برای آنها تأمین خواهد کرد. همچنان چین قصد دارد ۸۵۰ میلیارد یوان را برای اصلاح امور صحت عامه ظرف ۳ سال آینده هزینه کند.

اقتصاد دانان می اندیشند که آیا زمان تقویت ارزش یوان فرا رسیده است؟

نرخ برابری یوان، واحد پول چین، در مقابل دلار چالشی است که اقتصاد غرب را شدیداً تحت تاثیر قرار داده است. کشور امریکا می گوید ( تصمیم چین برای افزایش انعطاف پذیری در زمینه تعیین نرخ واحد پول کشور شان گامی سازنده به شمار می رود که می تواند به تثبیت روند بهبود و بازسازی اقتصاد جهانی و ایجاد توازن بیشتر در اقتصاد جهان کمک کند).

در سال ۲۰۰۸ هنگامی که اقتصاد جهانی دچار رکود شده بود، چین ارزش یوان را به طور ثابت بر ارزش دلار امریکا منطبق کرد. این اقدام به حفظ بازارهای صادراتی آن کشور کمک نمود؛ اما منتقدان می گفتند که این سیاست چین سبب کاهش غیرطبیعی ارزش یوان و در نتیجه ارزان تر شدن بهای کالاهای صادراتی چین می شود و در عین حال سبب سود غیرعادلانه شرکت های چینی از این امتیاز نسبت به رقبای خارجی آنها میگردد که خود موجب افزایش بیکاری و از بین رفتن فرصت های شغلی در خارج از چین می شود.

در این اواخر کمیسیون توسعه و اصلاحات اقتصادی چین در تازه ترین گزارش خود اعلام کرد که چین باید در برابر فشارهای خارجی برای افزایش



## فرار سیدن فصل سرما و مشکلات فراوان ناشی از آن

## فعالیت موثر بانک های خصوصی سبب رشد سرمایه گذاری در کشور

### می شود

باشد، فعالیت موثر بانک های خصوصی است. علاوه بر این که فعالیت بانک های خصوصی در کنار بانک های دولتی، می تواند اعتماد لازم را به لحاظ سرمایه گذاری در کشور ایجاد نماید خو گرفتن و عادت مردم به فرهنگ بانکداری و شیوه های داد و ستد شفاف و معیاری روحیه ی گرایش مردم به

ایجاد و گشایش فعالیت بانک های خصوصی در سطح کشور از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا وضعیت بحرانی اقتصاد و روند سرمایه گذاری در افغانستان، نیاز جدی به فعالیت های گسترده تر در جهت بهبود روند اقتصادی دارد. در جوامع پس از بحران یکی از نیازهایی که برای کاهش فقر و



سرمایه گذاری های کوچک و کلان را در سطح کشور تقویت میبخشد و این خود یکی از روش ها برای توسعه و رشد اقتصاد و فضای اعتماد گسترده تر است.

یکی از شیوه هایی که می تواند برای گسترش فعالیت ها به ویژه فعالیت بانک های خصوصی موثر واقع شود جلب اعتماد گسترده مردم (مشتریان) در عرصه بانکداری است.

رشد اقتصاد مردم محسوس دانسته می شود بلند بردن ظرفیت اقتصادی، راه اندازی پروژه های عام المنفعه به منظور از بین بردن بیکاری و ایجاد زمینه های اشتغال برای مردم است.

افغانستان نیز کشوریست که پس از سپری نمودن سال ها بحران ضرورت اشد به رشد، توسعه و گسترش اقتصادی دارد و یکی از راه هایی که می تواند در کاهش میزان بحران اقتصادی اثر گذار







محمد داود شیرزاد عضو مدیریت خطرات مالی

ظرفیت سرمایه گذاری، ایجاد بانکهای خصوصی به خاطر خدمت موثر به شهروندان و گسترش فعالیت های موثرترین سکتر می باشد که ذیلاً توضیح میگردد:

- ۱- داشتن اعتماد، خدمات شفاف و صداقت در شیوه مدیریت از نخستین اصلهای عمده در روش بانکداری است.
  - ۲- داشتن رابطه دو جانبه میان بانک و مشتری از ضروریات عمده است.
  - ۳- فراهم سازی زمینه سهولت در عرضه خدمات و جلب توجه مردم اصل دیگری است که باید مدنظر گرفته شود.
  - ۴- یکی از روش های جلب اعتماد، سهم دادن مردم در خود بانک است این سهم می تواند هم به صورت مادی و هم به صورت معنوی باشد مهم این است که برای مردم احساس و تشریک مساعی در بانک به وجود بیاید و این احساس به یک فرهنگ مبدل گردد.
  - ۵- عرضه خدمات مدرن برابر با روش های امروزی اصل دیگری در شیوه مدیریت بانکداری است و عملی سازی این روش ها می تواند سهولت در عرضه خدمات و استندرد های کاری به وجود آورد.
  - ۶- ابتکار و نو آوری مطابق به خواست ها و نیاز های مردم جامعه از اولویت های مهم در عرصه مدیریتی است این ابتکار وابسته به ارزیابی ضرورت ها و نیازمندی های اقتصادی مردم میباشد.
- از این که اقتصاد مردم افغانستان به شدت آسیب دیده است برای رشد متوازن و توسعه آن می توان از طریق عملی ساختن روش های بانکداری سالم استفاده نمود اما این عمل سالم مبتنی بر درک درست از شیوه های اداره سالم برای رشد اقتصاد مردم است.

خلورم کال، یو خلویبنتمه گنه د ۱۳۸۹ کال د لړم میاشت

اعتماد مردم زمانی می تواند درست و قوی جلب گردد که در روش مدیریتی، عرضه خدمات به سهولت، قابل دسترسی و شفاف باشد. شفافیت در شیوه عمل در امور بانکداری، سبب جلب اعتماد بیشتر مردم می شود و این شیوه عمل، زمانی می تواند کار آیی داشته باشد که در نحوه برنامه ریزی و شیوه های فعالیت بانکی به مردم سهم داده شود.

سهم مردم در امور بانک و بانکداری علاوه بر این که سبب رشد اقتصاد عامه می شود در دراز مدت می تواند زیربنای خوبی برای رشد اقتصاد ملی نیز باشد.

با توجه به نحوه فعالیت موثر بانک های خصوصی در افغانستان به وضاحت می توان گفت که این گونه فعالیت های اثر گذار، سبب رشد روند سرمایه گذاری در افغانستان می شود.

فعالیت بانک های خصوصی در افغانستان تا حدی با تجربه های مدرن در عرصه بانکداری همراه بوده است اما فراگیری مؤثر تجربه های خوب و مدرن در عرصه بانکداری، مستلزم عملی سازی روش های بهتر و مبتنی بر تجربه دقیق است.

افغانستان کشوریست که طی سه دهه تنش و تشدد زیر بناهای ساختاری آن در همه عرصه ها به ویژه در عرصه اقتصادی به شدت آسیب دیده است. در طول جنگ های سی ساله، روند سرمایه گذاری در کشور با مشکلات فراوانی همراه بوده و بسیاری از تجار و سرمایه گذاران داخلی از این کشور فرار نموده اند. اکنون که افغانستان پس از سپری نمودن تحولات گوناگون پا به عرصه بازسازی و نوسازی گذاشته است، رشد روند سرمایه گذاری در عرصه های دولتی و خصوصی از ضروریات مبرم مردم افغانستان و اقتصاد کشور دانسته میشود.

افزون بر رشد زمینه های اقتصاد دولتی، گسترش اقتصاد خصوصی از اولویت های اساسی برای افغانستان است زیرا رشد و افزایش عرصه های اقتصاد خصوصی و در مجموع بلند رفتن میزان سرمایه گذاری خصوصی در کشور، مساوی با رشد اقتصاد و سرمایه شهروندان کشور است.

یکی از روش های مهم برای گسترش اقتصاد و ارتقای



## استخراج و بهره گیری از معادن، توسعه اقتصادی را بار میآورد



اینکه چه عوامل و انگیزه ها باعث عدم توجه و علاقه در راستای کار بهره برداری از منابع زیر زمینی یا معادن افغانستان شده ما به آن درین بحث کاری نداریم، اما چیزی که جالب است اینکه:

افغانستان از چند دهه بدینسو وزارت طی و عریض بنام وزارت فعال بود که تا چند سال قبل صنایع نیز در چوکات آن اداره قرار داشت. اما با دریغ و درد که تا قبل از سال ۱۳۸۱ نه در بخش صنایع و نه هم در حصه معادن یک فیصد هم کاری صورت نگرفت و هیچ زعییم و مرجعی هم از مسوولان این وزارت که ریاست عمومی بنام ریاست استخراج را نیز با خود دارد، نپرسید که طی سال های متمادی مصروف چه کاری بوده اند. چند معدنی را که در فوق نام گرفته شد، آنها هم بصورت غیر معیاری، غیر فنی و اکثراً توسط اشخاص سود جو مورد استفاده قرار گرفته که هیچگونه عاید یا فایده بی برای دولت را در قبال نداشته است.

درین سالهای پسین، بازار ذخایر زیر زمینی و معادن افغانستان باز هم داغ شده و بعضاً اخبار خوشایند و امیدوار کننده بی هم از منابع داخلی

یکی از عمده ترین و اساسی ترین عوامل و شاخصها که در روند رشد، انکشاف و تحکیم پایه های اقتصادی یک کشور حایز اهمیت فراوان و انکار نا پذیر است کار بالای ذخایر زیر زمینی یا معادن است که باید مورد بهره برداری قرار گیرد.

در صورتیکه از کار سروی، استخراج و بهره گیری ازین نعمت بی بدیل خداوندی، غفلت و اهمال صورت گیرد، توسعه و انکشاف اقتصادی آن کشور نا ممکن خواهد بود. از گذشته های دور گاهگاهی ازین و آن شنیده میشود که افغانستان دارای معادن و ذخایر زیر زمینی فراوان است و خصوصاً معدن مس عینک، معادن آهن حاجی گمگ، گاز شیرغان، لعل بدخشان و زمرد پنجشیر زیانزد خاص و عام بوده است.

اما آنچه مشهور و قابل اندیشه است، عدم توجه و بی تفاوتی محض و غیر مسؤلانه زمام داران و حاکمان دوره های گذشته کشور عزیز ما افغانستان در رابطه به کار اساسی و بنیادی بالای این منابع سر شار طبیعی و سرمایه بی حد و حصر تحت الارضی است.





و خارجي شنیده میشود که گویا در این موارد خصوصاً در قسمت بهره برداری و استخراج معادن مس عینک و آهن حاجی گنگ وزارت معادن کشور کارهایی انجام داده است.

با وجودیکه درین چند سال فرصت ها و امکانات بیشماری بسان دیگر عرصه ها در بخش معادن نیز از دست رفته زیرا کارهایی اگر هم صورت گرفته بسیار اندک و ناچیز بوده است. یکی از راه های مناسب برای انکشاف و استخراج معادن افغانستان همانا جلب سرمایه گذاری های خارجی درین راستا میباشد که منجبت یک گام مفید و اثر بخش بشمار می آید.

تعدادی از آگاهان امور زمین شناسی عقیده دارند که بر علاوه معادن یاد شده، افغانستان دارای معادن سرشار و غنی از تمام انواع آن به غیر از الماس که تا الحال تثبیت نشده، میباشد کار معیاری، فنی و مبتنی بر منافع ملی، کشور ما را به یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان مبدل سازد.

قرار اظهار وزارت معادن افغانستان تا فعلاً حدود پنجمین ساختمان نفت و گاز در کشور کشف گردیده و تا دو سال دیگر مواد نفتی افغانستان وارد بازار خواهد شد که در صورت تحقق آن خبر خوشی میتواند بحساب آید.

همچنان باز هم خبر به مناقصه گذاشتن بزرگترین معدن آهن افغانستان ( معدن حاجیگنگ ) پخش گردید. معدن آهن حاجیگنگ که در سلسله کوه های هندوکش میان ولایات بامیان و وردگ قرار دارد بر اساس آمارهای دست داشته: نزدیک به دو میلیارد تن آهن را در خود دارد.

قرار اظهارات مقامات دولتی: استخراج این معدن می تواند سالانه حدود سه صد میلیون دالر را داخل خزانه عایداتی دولت نماید.

به گفته وزارت معادن افغانستان بعد از آغاز به کار استخراج این معدن، تا مدت پنج سال دیگر به بهره برداری سپرده خواهد شد، علاوه بر عاید ناشی ازین معدن برای بیش از سی هزار تن بیکار زمینۀ اشتغال نیز مهیا خواهد شد.

در حال حاضر که چانس رشد و توسعه افغانستان میسر گردیده است، بر رغم مشکلات موجود فرا راه این پروسه، ضرورت میرم است تا ازین چانس طلایی دست داشته استفاده مؤثر صورت گیرد، در تمام عرصه ها خصوصاً عرصه استخراج معادن باید کار خستگی ناپذیر و دلسوزانه صورت گیرد، تا اقتصاد افغانستان بسوی رشد و بالندگی حرکت نموده و بسر منزل مقصود برسد و رفاه اجتماعی را در پی داشته باشد. ●

## راه اندازی ورکشاپ یکروزه ارتباطات در مرکز آموزش و رشد کارمندان

چگونه باید امور کاری خود را به انجام برساند، با سهمگیری فعال شرکت کنندگان صورت گرفت که بخش اخیر ورکشاپ با اجرای کار گروهی ورکشاپ متذکره خاتمه یافت. این ورکشاپ یکروزه که در آن به تعداد سی تن از کارمندان بخش اسناد و ارتباط و دیگر دیپارتمنت ها اشتراک ورزیده بودند از جانب شاملین موثر خواننده شده و آنها خواهان تداوم این پروسه شدند.

همچنان تصدیق نامه های دوره کار عملی برای ۵۳ تن از شاگردان لیسه مسلکی تجارت بروز اول عقرب سالروان نیز توزیع شد. بر اساس معیارهای جهانی در ختم آموزش و تحصیل، شاگردان باید یک دوره کار عملی را سپری کنند که این دوره همانا تطبیق دروس نظری در ساحة عملی میباشد که دارای اهمیت فوق العاده برای دوره کاری بعد از ختم تحصیل میباشد. طوریکه همه ساله شاگردان موسسات تعلیمی جهت کسب دانش مسلکی و فراگیری شیوه کاری د افغانستان بانک به مرکز آموزش و رشد کارمندان د افغانستان بانک معرفی میشوند، امسال نیز در پهلولی سایر موسسات تعلیمی، شاگردان لیسه مسلکی تجارت نیز به این اداره معرفی

بعد از سال ۱۳۸۱ سیر پیشرفت در تمام ساحات وطن عزیز ما آغاز شد که خوشبختانه سکونر بانکداری در این روند پیشقدم بوده که همه عرصه های این سکونر شامل این پروسه میگردد. یکی ازین موارد میتواند بلند بردن ظرفیت کاری و آموزش کارمندان مسلکی باشد که د افغانستان بانک همدریف با عصری سازی و مجهز شدن با سیستم های جهانی همه منسوبان بانک مرکزی بایست در داخل و خارج کشور از طریق مرکز آموزش و رشد کارمندان، آموزش ببینند که نقش ارتباطات در موثریت بهتر امور در شرایط فعلی بیشتر از همه چشمگیر و برجسته تر است به همین سلسله روز چهارشنبه پنجم عقرب سالروان ورکشاپ یکروزه جهت فراگیری و کسب تجارب برای کارمندان نشرات و ارتباطات عامه د افغانستان بانک در اداره آموزش و رشد کارمندان بانک مرکزی تدویر یافت. این ورکشاپ که از جانب آقای دینس دیکین مشاور بخش ارتباطات عامه در اداره AGGI به پیش برده شد در رابطه به اینکه ارتباطات چیست؟، نقش و اهمیت آن در وضعیت حساس کنونی کشور چه است و همچنان بخش ارتباطات د افغانستان بانک



گردیدند که بعد از سپری نمودن دوره معینه یکماهه طی محفلی برای شان تصدیق نامه توزیع گردید. ابتدا خانم رفیعه صمد سلطانی آمر مرکز آموزش و رشد کارمندان طی صحبتی گفت: بانک مرکزی افغانستان امروز در ردیف بانکهای مرکزی معتبر جهان قرار گرفته است. با استفاده از سیستم های جهانی بانکی که امروز در افغانستان بانک مورد استفاده می باشد، خدمات بهتر و مدرن بانکی را به مشتریان خود عرضه میکنند. نظام بانکی افغانستان از پیشرفته ترین نهاد های اقتصادی کشور محسوب میگردد. تمام ساحات کاری د افغانستان بانک، با سیستم های عصری CBS و سویت مجهز گردیده است. همه کارمندان د افغانستان بانک با کمپیوتر کار میکنند و اکثریت آنها سند تحصیلات عالی از پوهنتون های داخلی و خارجی دارند، شما در جریان ترینسنگ مشاهده نمودید که د افغانستان بانک مسوولیت نظارت تمام بانکهای تجارتي و موسسات مالی کشور را بر عهده دارد. آرزومندم شما در آموزش خود در این ساحه مهم توجه مزید نموده و هم سیاست های پولی د افغانستان بانک را مطالعه نموده باشید که موفق ترین سیاست پولی در منطقه میباشد.

بعداً محترم سید امیر سادات مدیر لیسسه مسلکی تجارت از همکاری و گردیدند که بعد از سپری نمودن دوره معینه یکماهه طی محفلی برای شان تصدیق نامه توزیع گردید. ابتدا خانم رفیعه صمد سلطانی آمر مرکز آموزش و رشد کارمندان طی صحبتی گفت: بانک مرکزی افغانستان امروز در ردیف بانکهای مرکزی معتبر جهان قرار گرفته است. با استفاده از سیستم های جهانی بانکی که امروز در افغانستان بانک مورد استفاده می باشد، خدمات بهتر و مدرن بانکی را به مشتریان خود عرضه میکنند. نظام بانکی افغانستان از پیشرفته ترین نهاد های اقتصادی کشور محسوب میگردد. تمام ساحات کاری د افغانستان بانک، با سیستم های عصری CBS و سویت مجهز گردیده است. همه کارمندان د افغانستان بانک با کمپیوتر کار میکنند و اکثریت آنها سند تحصیلات عالی از پوهنتون های داخلی و خارجی دارند، شما در جریان ترینسنگ مشاهده نمودید که د افغانستان بانک مسوولیت نظارت تمام بانکهای تجارتي و موسسات مالی کشور را بر عهده دارد. آرزومندم شما در آموزش خود در این ساحه مهم توجه مزید نموده و هم سیاست های پولی د افغانستان بانک را مطالعه نموده باشید که موفق ترین سیاست پولی در منطقه میباشد.

بعداً محترم سید امیر سادات مدیر لیسسه مسلکی تجارت از همکاری و گردیدند که بعد از سپری نمودن دوره معینه یکماهه طی محفلی برای شان تصدیق نامه توزیع گردید. ابتدا خانم رفیعه صمد سلطانی آمر مرکز آموزش و رشد کارمندان طی صحبتی گفت: بانک مرکزی افغانستان امروز در ردیف بانکهای مرکزی معتبر جهان قرار گرفته است. با استفاده از سیستم های جهانی بانکی که امروز در افغانستان بانک مورد استفاده می باشد، خدمات بهتر و مدرن بانکی را به مشتریان خود عرضه میکنند. نظام بانکی افغانستان از پیشرفته ترین نهاد های اقتصادی کشور محسوب میگردد. تمام ساحات کاری د افغانستان بانک، با سیستم های عصری CBS و سویت مجهز گردیده است. همه کارمندان د افغانستان بانک با کمپیوتر کار میکنند و اکثریت آنها سند تحصیلات عالی از پوهنتون های داخلی و خارجی دارند، شما در جریان ترینسنگ مشاهده نمودید که د افغانستان بانک مسوولیت نظارت تمام بانکهای تجارتي و موسسات مالی کشور را بر عهده دارد. آرزومندم شما در آموزش خود در این ساحه مهم توجه مزید نموده و هم سیاست های پولی د افغانستان بانک را مطالعه نموده باشید که موفق ترین سیاست پولی در منطقه میباشد.



# تبلیغات عامل عمده تحرک در بازار



باید متذکر شد خدمات اطلاع رسانی شامل تمامی فعالیت های مشروع در چوکات قوانین نافذ کشور چون شرکت های مخابراتی، بانک ها، فابریکه ها، واردات و صادرات، شرکت های تولیدی، ساحتمانی و پروگرام های ملی مانند جلب و جذب اردو و پولیس ملی، خلع سلاح گروه های غیر مسئول (دایاک)، مبارزه با مواد مخدر، حقوق بشر، آگاهی های صحی، انتخابات، حفظ محیط زیست و غیره را در بر گرفته و در دور ترین نقاط کشور این خدمات را می رساند. بناً این شرکت ها پل ارتباطی خوبی میان مراجع اشتهاار دهنده و مردم بوده که به تقویة اقتصاد آنها از طریق آگاهی دهی عامه و استخدام ده ها کارمند و کارگر محلی در سراسر کشور مصدر خدمت می شوند.

س: فعلاً در کشور به چه تعداد شرکت های تبلیغاتی همانند شرکت شما فعالیت دارند؟

ج: گرچه د ر شروع سال ۱۳۸۱ یک شرکت، بعداً سه شرکت و فعلاً در حدود سی شرکت به کار آغاز کرده که تعدادی در سراسر کشور و تعدادی هم به سطح مناطق محدود (ولایات) فعالیت داشته و طبعاً از نگاه سرمایه گذاری، وسعت کار، تعداد پرسونل، وسایل کار و تجربه کاری با هم متفاوت هستند.



به تاسی از قانون اساسی، شرکت های تبلیغاتی جهت خدمات اطلاع رسانی و آگاهی مردم در بخش سکتور خصوصی بمیان آمده و یکی از عمده ترین وسائل اشتغال برای یک عده مردم بوده و در ضمن وسیله پیوند میان تجار و متشبین با مردم می باشد بناً بخاطر اهمیت این صنعت از نگاه اقتصادی در زندگی مردم گزارشگر مجله د افغانستان بانک مصاحبه بی را با غلام رسول قرلق رئیس شرکتهای تبلیغاتی هندوکش و بلهیکا انجام داده که توجه خوانندگان محترم به آن معطوف میگردد:

س: لطفاً آرایه فرمائید که در شرایط فعلی شرکت های تبلیغاتی در اقتصاد مردم چه نقشی دارند؟

ج: تأسیس، ایجاد و فعالیت شرکت های تبلیغاتی در بخش سکتور خصوصی بر مبنای تصویب اقتصاد بازار و به تاسی از قانون اساسی به میان آمده و هدف عمده آن پیوند دادن تجار و متشبین با مردم است که در چوکات آن خدمات اطلاع رسانی و آگاهی دهی مردم با وسایل مختلفه از جمله بلیوردها، پول سایی ها، پوسترها، بروشور ها و ... را به دیدگاه عموم گذاشتن یک نوع اعلان و آگاهی دهی محسوب می شود.

بطور مثال نرخ چاپ یک متر مربع فلکس در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ مبلغ حدود ۴۰ دالر الی ۳۰ دالر بود که در کشور های همسایه به چاپ رسیده و مدت یک هفته را در بر میگرفت و اکنون همان نرخ به ۲ دالر رسیده و مدت یک ساعت و یا کمتر از آن را دربر می گیرد و اگر اوضاع امنیتی و سیاسی کشور بهتر گردد توقع می رود چاپهای آفستی نیز کلاً در داخل کشور انجام یابد.

س: آیا به نظر شما سالانه چه مقدار پول بابت خریداری مواد و وسایل مورد نیاز شرکت های تبلیغاتی و مطابع از خارج هزینه می گردد؟  
ج: شاید رقم دقیق آنرا ندانم، اما از خلال اینکه همه ما یحتاج ( ماشین آلات چاپ، لوحه های LED، لوحه های سه بعدی، Stand های مختلف، بلکس باب، کاغذ باب، قرطاسیه، آهن چادر و فلز باب) از بیرون کشور وارد می گردند، جای شک نیست که رقم درشتی شاید در حدود بالاتر از پانزده میلیارد افغانی را احتوا نماید که صرف تهیه مواد متذکره می گردد.

س: آیا ممکن است مواد مورد ضرورت شرکت های تبلیغاتی در داخل کشور تهیه شود؟

ج: در مدت کوتاه ممکن نیست، اما روی برنامه مرحله وار و مطابق پیشرفت اقتصاد و صنعت تعدادی از مواد مورد نیاز شرکت های تبلیغاتی در داخل کشور تولید شده میتواند، مثلاً فلز باب و کاغذ باب.

س: لطفاً اگر توضیح نمائید چه مشکلاتی فرا راه شرکت های تبلیغاتی وجود دارد؟

ج: اولاً از نگاه اداری تا کنون قانون شاروالی ها از سوی مجلس پارلمان (ولسی جرگه) به تصویب نرسیده بناً در مورد تعیین مقدار پول یک نوع سردر گمی وجود دارد. نرخنامه یی که موجود است تفکیک بین محلات، ولایات، ولسوالیها، شاهراه ها، جایداد های شخصی، دولتی و بسا مسائل دیگر را نمی نماید. و این بلا تکلیفی فرصت خوبی را برای فساد اداری و سلیقه های فردی مهیا ساخته است.

دوم: از نگاه تأمین امنیت، انرژی و تأمین محل مناسب مشکلاتی موجود است که همه میدانند.

سوم: از نگاه رکود اقتصادی و اینکه نسبت بیکاری شدید تعداد زیادی از شرکت ها در میان هم به رقابت های نا سالم پرداخته و نرخ بازار را بعضاً در حد ضرر پائین آورده اند.

چهارم: عدم موجودیت یک اتحادیه و یا نشست های باهمی میان شرکتهای تبلیغاتی برای بر رسی مشکلات فرا راه شان و دریافت راه حل برای آنها.

پنجم: وابستگی شرکت ها و بازار به مواد بی کیفیت چینائی و یا کشورهای دیگر که همه فرآورده های تبلیغاتی را در نظر بیننده ضعیف جلوه میدهد. ●

س: به چه تعداد مردم که متکفل و نان آور خانه و فامیل شان می باشند، درین شرکت ها مصروف کار هستند؟

ج: در مجموع شرکت های تبلیغاتی دو نوع شاغلین دارند: یکی آنعده افراد و اشخاصی که بطور مستقیم و دایمی معاش ثابت دایمی و اضافه کاری بنا بر ضرورت کاری بدست می آورند، دوم افراد و اشخاصی که بطور موقت و اجاره شامل کار میباشند که بنا بر ضرورت زمانی، تعداد شان معادل افراد معاش بگیر و زمانی هم به مراتب بالا تر از افراد دایمی و معاش بگیر هستند و از طرفی چون شرکت های تبلیغاتی بر مبنای سرمایه گذاری و ساحت فعالیت خویش با هم فرق دارند، بناً طور اوسط می توان گفت که در حدود پنج هزار نفر بطور مستقیم و غیر مستقیم درین شرکت ها مصروف فعالیت می باشند.

س: آیا کار گاه های آموزشی جهت کسب معلومات بیشتر کارمندان شرکت های تبلیغاتی در کشور وجود دارد و یا در خارج از کشور تحصیل مینمایند؟

ج: ایجاد شرکت های تبلیغاتی پدیده جدیدی است که در پرتو قانون اساسی جدید کشور بوجود آمده و مستلزم مهارت هایی چون: زبان انگلیسی، پروگرام های Office کمپیوتر، امور بازار یابی، طرح و ترتیب (Proposal) و در بخش کارگری، فلز کاری، امور برق، مهندسی، لوحه و تابلو سازی می باشد که قسماً این مأمول با ایجاد مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی و به کار گماری خارجی ها چون هند و پاکستانی تکمیل می گردد. از سوی دیگر تعداد محدودی غرض فراگیری مهارت های مسلکی به کشورهای پاکستان، هند، چین و جرمنی برای دوره های کوتاه مدت و میان مدت سفر کرده اند که جوابگوی نیاز مندی شرکت های تبلیغاتی نمیشد.

س: مواد خام و وسایل مورد نیاز شرکت های تبلیغاتی از کجا تهیه می شود؟

ج: طوریکه میدانید متأسفانه تا کنون هیچ شرکت تولیدی که بتواند مایحتاج شرکت های تبلیغاتی طباعتی را در داخل کشور تولید نماید، ایجاد نگردیده است، بناً همه مواد مورد ضرورت شرکت های تبلیغاتی از بیرون اكمال می شود که یا خود شرکت های تبلیغاتی مستقیماً وارد و یا از شرکت های دیگر، خریداری مینمایند.

س: لطفاً جواب ارایه فرمائید، آیا تمامی مواد چاپی تانرا در داخل کشور چاپ می نمائید و یا بعضاً به بیرون از کشور می فرستید؟

ج: در شروع کار اکثریت نزدیک به کل امور چاپی در کشور های همسایه و از جمله در کشور پاکستان، ایران، هند، چین، و امارات متحده عرب صورت می گرفت و اکنون رفته رفته با وارد نمودن ماشین آلات و تربیه پرسونل فنی و مسلکی، چاپ دیجیتلی روی فلکس، کاهش چشمگیری بمیان آمده که در زمان کوتاهی اقبال چاپ می یابد،

# اهمیت اقتصادی پنبه

عبدالحفیظ شاهین

فصل بهار کشت می شود، تا به موقع جمع آوری حاصلاتش به یازده مرتبه آبیاری ضرورت دارد. گرچه این نبات به امراض گونا گونا مبتلا می شود اما قابل جلوگیری می باشد. در خاکی مواد کافی عضوی مانند کلسیم، فاسفورس، مگنیزیم، و نایتروجن موجود باشد بخوبی رشد مینماید و مدت شش الی هفت ساعت در روز به آفتاب ضرورت دارد این گیاه در زمینی که کشت میگردد اگر آن زمین نهایت حاصل خیز باشد پنبه آن به چندین سورت تقسیم می شود و از هر هکتار زمین کشت شده از ۳ الی ۴ تن پنبه یا پنبه دانه بطور اوسط بدست می آید، همچنان در هر هکتار زمین برای مهیا کردن زمین به کشت پنبه به ده نفر و برای آبیاری و دوا پاشی روزانه دو نفر و برای چیدن حاصل آن برای مدت یکماه به ده نفر ضرورت است.

در کشور ما هر منطقه از لحاظ تقسیمات کار و بخش های اقتصادی ویژه گی های خاص خود را دارد که هر کدام در ارتقای سطح اقتصاد کشور نهایت موثر می باشد که بطور نمونه می توان گفت: در مناطق صفحات شمال و جنوب غربی کشور محصولاتی از قبیل خربوزه و تربوز نسبت به گندم خوب است، طوریکه در شمال انگور، در قندهار و تگاب انار، در بامیان کچالو، در صفحات شمال و هرات پنبه حاصلات خوب داشته و یکی از خاصیت های خوب پنبه این است که آسیب پذیری آن در مقابل امراض کمتر، نگهداشت آن خیلی طولانی بوده و کشت آن در کشور نتیجه خوب داده است که دارای کیفیت خیلی ها عالی و به مراتب اقتصادی

پنبه نباتی است که از الیاف پوشانده دانه پنبه بدست می آید که در تولید منسوجات از آن کار گرفته میشود این نبات با ارزش در اوایل



اگر رونق یابد زمینه صادرات آن نیز به خارج مهیا میگردد و باعث افزایش صادرات کشور خواهد شد، به عقیده وی چون این نبات مانند کوکنار عاید خوبی دارد و اگر برنامه کشت پنبه در کشور تحت برنامه ملی و سر تا سری پیشبرده شود جایی برای کشت کوکنار باقی نمی ماند، بگفته وی پنبه از نگاه ارزش آن در سطح جهان به اسم طلای سفید مسمی گردیده و در صادرات کشورها رول بسزایی دارد و کشت پنبه نظر به توافق محیطی و آب و هوا در افغانستان به چهار زون تقسیم گردیده است که زون سپین زر در شمال و شمال شرق، زون بست هلمند و نیمروز، زون بلخ، زون هرات و باد غیس می باشد. ●



میباشد. همچنان باید گفت که کشت پنبه از سالیان دراز در کشور ما مروج بوده و پیوند عمیق با صنعت نساجی که از ویژه گیهای اقتصادی کشور ماست، دارد زیرا در گذشته تمامی نساجی های افغانستان مثل: نساجی پلخمری، بلخ، جیل السراج، بگرامی، پشمینه بافی کابل و قندهار و سایر نساجی های خورد و بزرگ در پارک صنعتی کابل و سایر ولایات بالخصوص نساجی گلپهار که در نوع خود از پر منفعت ترین فابریکه های نساجی در کشور ما و حتی در سطح منطقه بود و بیش از دوازده هزار تن کارگر در آن مصروف کار و حدود ۷۵ میلیون متر تکه را سالانه تولید و ظرفیت افزایش تا دو صد میلیون متر تکه را در سال داشت که قسماً پنبه مورد ضرورت کارخانجات مذکور را محصولات داخلی کشور تکافو میکرد، که بصورت مجموع در آنها صد ها هزار کارگر مصروف کار و بیش از دو صد میلیون متر تکه را تولید و از فرار سرمایه بخاطر خریداری همین مقدار تکه از کشور های خارجی جلو گیری می شد. خوشبختانه در سال ۱۳۸۸ در ولایت بلخ قیمت یک تن پنبه در بازار ۲۸ هزار افغانی بود در حالیکه همین مقدار پنبه را مسئولین کارخانه نیکود به سی هزار افغانی خریداری نموده است، کارخانه مذکور در مجموع در سال گذشته ۳۵۰ تن پنبه را خریداری و بعد از پروسس توسط آن شرکت پنبه مذکور قسماً به اروپا صادر شده است، قبل از سالهای سه دهه حدود ۱۲۰,۰۰۰ الی ۱۳۰,۰۰۰ هکتار زمین در کشور پنبه زرع میگردد که از محصولات آن بر علاوه اینکه در تولید نخ و تکه در کارخانجات از آن کار گرفته می شد در تولید روغن، کنجاره، از چوب ساقه آن در تسخین خانه ها نیز استفاده بعمل می آمد، ریختن برگ پنبه در روی زمین باعث مفیدیت، ازدیاد مواد عضوی و تناوب زراعت می گردید. قرار سروی و محاسبات دقیقی که درین اواخر صورت گرفته حاصل یک هکتار زمین کوکنار بین ۳۵۰۰ الی ۳۷۰۰ دالر می باشد در حالیکه حاصل پنبه در یک هکتار زمین بالا تر از ۵۰۰۰ دالر امریکایی می باشد. بر اساس اظهار یک مقام وزارت زراعت و مالداری د رروز نامه آرمان ملی، کشت و تولید پنبه در کشور ما

## اقتصاد او د اقتصاد د پیاوړتیا عوامل



چې د نفوسو د زیاتوالي په پرتله د توکو او خدماتو د تولید زیاتوالی څه ډول صورت نیولی شي؟

په دې ډول دوه عوامل د اقتصادي پرمختګ په لار کې زیات اهمیت لري. په هېواد کې موجوده وسایل په بشپړه او ښه طریقه په کار اچول، د تولیداتو د سطحی زیاتوالی د اقتصادي ترقی د څېړنې په صورت کې باید سیاسي، اجتماعي، تاریخي، مذهبي، او کلتوري شرایطو امکانات په دقیقه توګه په پام کې ونیول شي، د بېلګې په توګه که چیرې په یو هېواد کې حکومت وغواړي چې خپل هېواد د صنعتي او تخنیکي وړتیا په دوره کې داخل کړي او د کرنیز دور څخه یې وکارې نو په دې صورت کې یو با استعداد او زیارکښه ادارې ته ضرورت پېښیږي. د اقتصادي پرمختګ لپاره اقتصادي عوامل

په لنډیز سره لاندې راوړل

شوي دي:

۱: بشري عوامل

۲: طبعي عوامل

۳: د پانګې راټولونه

۴: تکنالوژي

۵: ټولنیز او کلتوري حالات

۱- بشري عوامل:

د یو هېواد اقتصادي پرمختیا

تر ډېره حده د بشري قواو

له هر څه لومړی باید د اقتصاد مفهوم روښانه کړو، زما په آند اقتصاد د انسان په لاس کې د موجودو وسایلو څخه تر اعظمي حده پوری ګټه اخستلو ته وايي (سربېره پردې تعریف په هر وخت او ځای کې مختلف اقتصاد پوهانو بېلابېل تعریفونه کړي دي، په هر صورت مونږ خپلی موضوع ته راګرځو څرنگه چې د اقتصاد تعریف مونږ ته واضح شو نو اوس مونږ د اقتصادي پرمختګ په عواملو غږیږو.

لکه څرنگه چې تاسی پوهیږی د هر هېواد اقتصادي پرمختیا، مختلفو او زیاتو عواملو پورې اړه لري او د عواملو تر څنګ اداري شکل او جوړښت هم د اقتصادي پرمختګ په برخه کې عمده رول لري، د اقتصادي پرمختګ عوامل خورا زیات دي او په هر هېواد کې د مختلفو عواملو اغېز توپیر لري، د بېلګې په توګه د انگلستان په پرمختیا کې د صنعتی انقلاب، بانکدارۍ نظام او د حمل او نقل و سایلو مهم رول لوبولی دی، یا د روسی په اقتصادي پرمختګ کې د اقتصادي پلان جوړونې رول څرګند دی. سره له دې چې هر عامل مختلف رول لوبوي او ځینی عوامل داسې دي چې موجودیت یې د هر هېواد لپاره ډېر اړین دی. د یو مملکت د اقتصادي پرمختیا اندازه په هغه هېواد کې د موجودو توکو او د خدماتو له مخې ټاکل کیږی، یا په بل عبارت: په یو هېواد کې اقتصادي پرمختګ د ملي عوایدو د زیاتیدو د سطحی سره مستقیمه اړیکه لري که په یو هېواد کې توکي او خدمات په زیاته کچه وي یا تولیدیږي نو اقتصادي پرمختګ لپاره لاره برابریږی د اقتصادي پرمختګ په برخه کې بنسټیزه مسئله دا ده



لیاقت علی نظری د مالی آمریت غړی

رامنځ ته کېږي په مختلفو شعبو کې د ښځو لپاره د کار شرایط برابرېږي. د مرگ او تولد دواړو نسبت کمېږي او په عمومي توگه اقتصادي پرمختیا د خوشحالی د عواملو لامل ګرځي.

## ۲- طبعي عوامل:

په طبعي عواملو کې ځمکه، معدنونه، ځنګلونه، آب وهوا، جغرافیایي موقعیت او نور شاملېږي. کله چې طبعي وسایل مساعد وي، د اقتصادي پرمختیا عمل ته سرعت ورکوي په عمومي توگه لکه طبعي وسایل محدودوي نو داسې بریښي چې اقتصادي پرمختګ تر یوه حده پورې ممکن دی خو نظریه دا ده چې څرنګه دا محدود وسایل په اغیزناکه توگه استعمال او د هغوي ګټورتوب زیات کړای شو، د طبعي وسایلو د عرضې او کیفیت د ښه کېدو په موخه دغه ټکي په پام کې نیول کېږي:

۱- د نوو وسایلو کشفول

۲- د ټولو وسایلو څخه په اغیزناکه توگه استفاده کول

۳- د وسایلو د استعمال لپاره نوې طریقې ایجادول  
نو داسې نتیجه اخیستل کېدای شي چې د مقدار زیاتوالی په ځای باید د طبعي و سایلو د استعمال ښې طریقې ایجاد او د هغوي د موثریت زیاتوالی ته باید توجه وشي.

## ۳- د پانګې راټولونه:

پانګه اچونه د اقتصادي پرمختیا عمده شرط بلل کېږي د یو هېواد د اقتصاد په بنسټیزو شاخصونو کې زیاتوالي ته پانګه اچونه ویل کېږي، لکه: د نویو تصدیو جوړول، سرکونو جوړول، بندونو جوړول، نهرونو جوړول او داسې نور...

د سرمایي څخه پرته د یوې پروژې کار تر پای پورې نشي بشپړېدای د پرمختیایي هېوادونو د وروسته پاتې والي یو عمده لامل د پانګې نشته والی او کموالی دی نو ترڅو چې دا ستونزه حل شوی نه وي د اقتصادي پرمختیا عمل نشي بشپړېدای.

په اقتصادي پرمختیا کې د پانګې اچونې اهمیت او رول:

۱- پانګه د صنعت د پرمختګ لامل ګرځي او په پراخه پیمانې سره توکي تولیدیږي نوې فني طریقې منځ ته راځي او په کورنه کې د میکانیزه کولو سیستم را منځ ته کېږي.

۲- د نفوسو په زیاتیدو سره ډېرو خلکو لپاره د کار برابرول په یو ضرورت بدلېږي چې د دوي د مقصد د پوره کولو لپاره د نورو پروژو ترتیب او بشپړولو ته اړتیا احساسیږي چې پرته د پانګې د موجودیت څخه یو نا بشپړ کار دی.

۳- د نوو ماشین الاتو په حالتې کې د موثریت سطح پورته ځي چې په دې کې پانګه اچونه د کار د مولدیت لامل ګرځي.

د پانګې د زیاتوالي په موخه باید داسې اقدامات (کړنې) وشي:



پورې اړه لري، په دې مانا چې په یو هېواد کې څومره خلک تعلیم یافته، د هنر خاوندان او څومر پې پې تعلیمه او بې فنسه خلک دي، څومره چې په یو هېواد کې تعلیم یافته او د هنر خاوندان زیات وي په همغه اندازه ملي وسایل په ښه توگه په کار اچول کېږي.

د نفوسو د زیاتوالي اړیکه د اقتصادي پرمختیا سره په دوه ډولونه څېړلې شو:

۱: په اقتصادي پرمختیا باندې د نفوسو د زیاتوالي اغېزې

۲: د نفوسو په زیاتوالي باندې د اقتصادي پرمختیا اغېزې

: په اقتصادي پرمختیا باندې د نفوسو د زیاتوالي اغېزې:

د نفوسو په زیاتیدو سره په اقتصادي پرمختیا باندې لاندې منفي اغېزې واردېږي:

۱: د عامه روغتیايي سطحې ټیټوالی

ب: د تغذیې ضعیفوالی (کمزوري)

ج: د دولتي ټولنیزو خدماتو کموالی

دا خبره نن څرګنده شوې چې په غریبو (بې وزلو) هېوادونو کې د وروسته پاتې والي عمده لامل په چټکۍ سره د نفوسو زیاتوالی دی، ځینې عالمان (پوهان) دا وېره څرګندوي چې په دې هېوادونو کې د ترقی ترڅنګ نفوس نور هم زیاتېږي او په پایله کې د پرمختګ ټول اثرات ورک کیری او لاندې اثرات را منځ ته کېږي:

- غذايي موادو د عرضې کموالی

- د پس انداز (سپما) او د بشري قواو د ترقی کموالی

- د سړي سر عاید ټیټوالی

- د پانګې په زیاتېدو کې کموالی

- د حکومتي لګښتونو زیاتوالي ته اړتیا

= د تادیاتو په توازن باندې فشار راتلل

- د زده کوونکو او کارګرې قوې زیاتیدل

- د اسانتیا په برخه کې د سهولتونو کمیدل

- د بیکارۍ په نتیجه کې مطلق غربت او بې وزلي زیاتېږي

د دې څخه نتیجه اخیستل کېږي چې د نفوسو زیاتوالی نه یوازې د غربت د رامنځ ته کېدو لامل دی بلکې په خپله د نفوسو زیاتوالی هم د غربت نتیجه ده.

: د نفوسو په زیاتوالي باندې د اقتصاد د پرمختیا اغېزې (اثرات):

اقتصادی پرمختګ د نفوسو په سطح ډیر تاثیر کوي، د اقتصادي پرمختیا په صورت کې صنعت او سوداګري په چټکۍ سره پرمختګ کوي، په کرنیزه ساحې کې ماشینونه په کار اچول کېږي. د ژوندانه ضروریات په ښه توگه زیاتېږي، په ټولیزه توگه د ملي عاید د چټک زیاتوالي لامل ګرځي او د نفوسو د زیاتوالي اندازه د عاید د زیاتوالي په پرتله ډېره کمېږي. صحي خدمات او ښوونه او روزنه کې سهولتونه

چه باید په پام کې ونیول شي:

- د پرمختللو هېوادونو تکنالوژي باید په پرمختیایي هېوادونو کې د ضرورت مطابق په کار واچول شي
- د اقتصادي پرمختیا په موخه په وروسته پاتې هېوادونو کې مسلکي او روزل شوو افرادو ته ضرورت دی، نړیوالې ادارې او پرمختللي هېوادونه باید وروسته پاتې هېوادونو سره په دې برخه کې مرسته او همکاري وکړي.
- په پرمختیایي هېوادونو کې د اقتصادي پرمختیا په برخه کې بله ستونزه خلکو ته تعلیم او په هغوی کې د اقتصادي پرمختیا جذبه پیدا کول دی ترڅو هغوی په دې باور پیدا کړي چې اقتصادي پرمختیا او د کاروبار په نوو طریقو کې د دوی نېکمرغي ده.

**۵- اجتماعي او کلتوري حالات:**

په اقتصادي پرمختیا کې اجتماعي عوامل ستر رول لوبوي. د عنعنوي او کلتوري عواملو څخه موخه د ټولني تمایلات، رسم رواج او روایات ده که چیرته اجتماعي ماحول تمدني روایات او عنعنوي رسوم او نظریات سره سازگار (موافق) اوسي نو د اقتصادي ترقی لامل گرځي، که چېرته د ټولني خلک زیارکینه، با تعلیمه، ذهن، پوه او خوشحالي غوښتونکی اوسي نو د کلتوري پرمختگ لاره پخپله هوارېږي. په وروسته پاتې هېوادونو کې خلک په عمومي توگه بې سواده، اوهام پرسته، قناعت پسند او فضول خرچه اوسي نو دا عوامل د اقتصادي پرمختگ په لاره کې عده ځنډ بلل کېږي، ډېری خلک د ساینس او تکنالوژي د نوو غوښتنو څخه بې خبره دي په هغوي کې د کار استعداد ډیر وروسته پاتې دی، د بهرني او داخلي عواملو څخه د گټې اخیستلو توانايي نه لري، د فضول خرچي د نمو او نمایش عاشقان دي په ودونو او نورو بې ځایه رواجونو کې زیات مصرفونه کوي او د پورونو په دام کې حصاریري، رواجونه له یوی خوا د پیسو د بې ځایه لگښت کیدلو او له بلې خوا د خلکو د بې وسی او د بې اعتمادی حالت د رامنځته کیدلو لامل کېږي.

- د وروسته پاتې هېوادونو خلک د رېر، زحمت، عزم او جرانت څخه کار نه اخلي او په تقدیر باندې د شکر ایستلو سره عادت شوي او د انسان په رول قانع نه وي د دې سربیره د نفوسو زیاتوالی د ترقی په لار کې یو عده ځنډ دی (چې د بیکاری او بې روزگاری له امله رامنځته کېږي) د نفوسو د زیاتوالي له امله زیات خلک په نامناسب چاپیریال کې ژوند تیروي چې په دې توگه د کار کولو استعداد هم کمېږي. لنډه دا چې په نوموړو هېوادونو کې چې ترڅو د ژوند په طریقو کې بنسټیز بدلون رامنځ ته نشي نو نوی عصر د تمدن او اقتصادي ترقی غوښتنې نه شی پوره کولی. ●

- د پس انداز(سپما) د سطح زیاتوالی
- د مالي او بانکداری نظام ټینګښت
- د پانگې اچونې زیاتوالی

مالي او بانکداری نظام د پس انداز(سپما) د کار اچولو په برخه کې د تولیدي مقصدونو په موخه مرسته کوي دا چې یو هېواد د پرمختگ په منظور څومره پانگه اچونې وکړي باید د نفوسو د زیاتوالي اندازه معلومه کړي چې په سپری سر عاید کی څومره اضافه والی د (زیاتوالي) په پام کې نیول شوی دی؟

د پانگې نهایی محصول څومره دی؟ دې پوښتونو ته باید په ډېره پاملرنه ځوابونه وویل شي. په اټکلی ډول سره که په هېواد کې د نفوسو زیاتوالی ۱٪ وي نو د موجوده معیار د ساتلو په منظور باید ملي عواید تر ۴٪ پورې پس انداز(سپما) او په کار واچول شي. په غریبو هېوادونو کې تقریباً ۵٪ پس انداز پکار دی دا چې په هېواد کې دا تناسب په کومې طریقې سره لوړ شي د دې لپاره لاندې اقدامات په کار دي:

- د هېوا په دننه کې د لگښت اندازه کمه شي او د ټکسونو اندازه لوړه شي خو د ټکسونو د لوړوالي منفي اغېزې باید په پام کې ونیول شي.
- د بهر څخه د لگښتي موادو(توکو) واردول کم کړای شي.
- په کرنه کې د بې کارۍ پر خلاف اقدامات وشي کارگره قوه صنعت کې په کار وگمارل شي ځکه چې په صنعت کې نسبت کرنې ته د کار نهایی مولدیت زیات دی.
- د پانگې اچونې په موخه د بهرنیو پورونو حصولولو لپاره اقدامات وشي.

**۴- تکنالوژي:**

د وروسته پاتې هېوادونو د وروسته پاتې والي یو عمده لامل د تکنالوژي نه موجودیت دی، په دې هېوادونو کې تر اوسه په ځینو شعبو کې ۱۵۰۰ کلونو پخوانی د کار طریقې مروجې (دود) دي په وروستیو کلونو کې د ساینس او تخنیک د ترقی په لړ کې د پرمختللو هېوادونو تکنالوژي ډیره کمه وده کړې او د پرمختیایي هېوادونو سره یې واټن زیات شوی ده له همدې امله په دې دواړو گروپونو هېوادونو کې د عاید په اندازه کې هم تفاوت زیات شوی دی چې اساسي عوامل یې د تعلیمي او اداري نظام ضعیفتیا، د اجتماعي جوړښت (ساختار) نامناسب والی او د پانگې کموالی گڼل کېږي.

په نوموړو هېوادونو کې په ځینو مهمو صنعتي او سهولت ایجادونکی ساحو کې زیاتې پانگې اچونې ته ضرورت لیدل کېږي چې د هغې د جملې څخه مهمی برخې انرژي او بریښنا، آبیاري، مخابرات، د خسر رسولو ذریع، د خلکو تربیت، د لارو جوړول، او داسې نور دي. باید په نوموړو ساحو کې نوې تکنالوژي دود شي.

د تکنالوژي د انتقال په برخه کې یو شمېر موضوعات رامنځ ته کېږي

# مدیریت منابع بشری و نقش آن در

## بهبود اداره

محمد اسرار پویا معاون نمایندگی تورغندی

بردارند، این امر مهم موجب شد تا سازمان ها در انتخاب نیروی کار، اصولی را در نظر بگیرند که اهم آن قرار ذیل است:

**انتخاب بهترین افراد**

**جمع آوری اطلاعات شغلی**

**پرداخت حقوق و اعطای امتیاز بر میزان عملکرد**

**آموزش مستمر نیروی انسانی**

بعد از جنگ جهانی اول نسبت افزایش متقاضیان شغل، سازمان ها بیشتر در مورد استخدام نیروی کار دقت نموده تا آنجائیکه اغلب سازمان ها روانشناسان معرج و متبحر را برگزیدند تا در زمینه گزینش نیروی کار با استفاده از اصول و آزمون های روانشناسی همکاری نمایند.

در عصر امروزی که هر سازمان پا به عرصه وجود میگذارد،

مدیریت منابع بشری که امروز به صورت یک تخصص مطرح است در گذشته نه چندان دور در سازمان ها و ادارات در یک چارچوب محدود واحد بنام اداره امور کارکنان فعال بود که امور مربوط به کارمندان را از قبیل تنظیم آمار پرسونلی، تنظیم اوقات کار، فراغت و غیره انجام میداد. امروز سازمان ها و اداراتی که در چهره های مدرن و معاصر شکل میگیرند بخش مستقلی را تحت عنوان مدیریت منابع بشری در تشکیلات خود ایجاد مینمایند.

تا سال های ۱۹۷۰ به این پدیده کمتر توجه صورت میگرفت ولی بعد از ۱۹۷۰ که جریان سیل آسای اطلاعات که بیشتر اوج گرفت و بعضی شرکت های بزرگ جهان را به کام نابودی فرستاد منابع انسانی در خور توجه واقع گردید و نیز در همان زمان طرح مدیریتی تیلور و هم عصرانش چون فرانک لیلیان موجب شد تا سازمان ها در زمینه بهینه سازی و نوآوری تولید، گام مؤثر

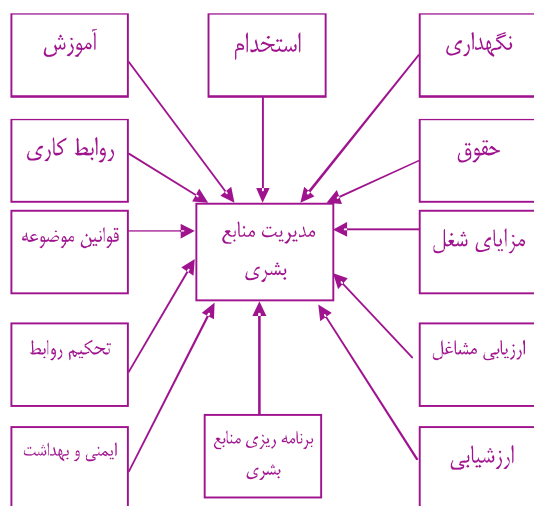


لازم است مدیر ضمن توجه به مدیریت مثل یک واقعیت انسانی واجتماعی با نقش های مدیریت و ساختار مدیریت منابع بشری نیز آشنا شود. سپس از تکنیک ها و روش ها آگاهی یابد و ضمناً به پرسش های ذیل پاسخ مقنع ارایه بدارد:

در زمینه رفع نیازمندی های نیروی انسانی چگونه برنامه ریزی شود؟  
در یک بخش تخصصی، عوامل اجرایی از چه ویژگی های برخوردار باشد؟

در نگهداری افراد چگونه اقدامات در نظر گرفته شود؟  
آیا نگهداری کارمندان صرف با حقوق مادی امکان پذیر است؟  
روند آموزش کارمندان توأم با پیشرفت های علمی با حفظ تعادل چگونه طراحی شود؟

مانند اینها به پرسش های زیاد دیگری در این زمینه باید پاسخ ارایه کند، مدیریت منابع بشری باید نقش های گوناگونی ایفا کند تا عملکرد منابع بشری بهبود یابد، زمینه رشد منابع بشری را مهیا سازد و نیروی انسانی شایسته جذب اداره گردد تا همیشه چتر عملکرد مؤثر مدیریت منابع انسانی بالای سر همه اعضای سازمان سایه افکند، باز نگهداشتن این چتر نیازمند تخصص مدیریت منابع بشری در زمینه هایی است که در شکل ذیل مشخص شده است. ●



مهمتر از همه در مورد نیروی بشری فعال می اندیشد، این را هم باید ذکر کرد که هنوز سازمان هایی وجود دارد که مبنی بر یک اندیشه سنتی استوار بوده و اداره میشوند و سرمایه دار منحیث مدیر و پالیسی ساز در رأس سازمان قرار دارد، بدون شک آینده چنین سازمان ها در پرده ابهام قرار دارد.

موجودیت نیروی بشری ماهر و توانا در سازمان به تنهایی نمیتواند مفید واقع گردد، حصول استفاده مطلوب از منابع بشری، موازی با منابع مادی در یک سازمان، مستلزم آگاهی و شناخت از روش های وافی به مقصود، در رابطه به مدیریت نیروی بشری است.

به منظور دسترسی به آگاهی و شناخت در این زمینه



# د بهرنی سوداګری پالیسي

دوهمه برخه



عطا الله ننگ د څلورم لوی مدیریت غړی

وړاندې کړي نو دې ته امتیازي قیمت ویل کیږي.

۴- سبسايدی (Subsidy): سبسايدی عبارت له يو مقدار پیسو څخه دی چې حکومت یې د خپلې خزانې او یا کومې بلې سرچینې څخه صادراتي کمپنیو ته د ټاکلي مقدار صادراتي اموالو په مقابل کې ورکوي.

او یا په بل عبارت: د افرادو او خصوصي صنایعو سره د دولت مستقیمه او غیر مستقیمه مرسته د هغوی د اقتصادي رونق او رفاه په خاطر عبارت د سبسايدی څخه دی.

د سبسايدی د ورکولو څخه د حکومت موخه دا وي تر څو صادراتي کمپنی په اسانې سره وکولای شي چې په بهرنیو هېوادونو کې د نورو هېوادونو سره په خرڅلاو کې سیالي وکړای شي. سبسايدی

اندازه زیاته شي نو ټکسونه هم پرې لوړوي.

ب) يو طرفه معیار: يو هېواد یوازې په خاصو شرایطو کې د يو واردیدونکي توکي لپاره حد ټاکي او په ټاکل شوي مقدار سره نوموړی جنس واردیدلای شي. ج) دوه طرفه معیار: د وارداتو او صادراتو يو خاص معیار دی. یا په بل عبارت د صادراتو او وارداتو ترمنځ پریکړه صورت نیسي چې څومره توکي صادر او څومره وارد شي.

د) وارداتي لایسنس: د دې سیستم لاندې د واردونکي لپاره د وارداتو د مقدار لایسنس حاصلول په کار دي. چې د دغه لایسنس واردونکي ته بهرني اسعار جریان پیدا کوي او د هغې په مرسته اموال واردولای شي.

د وارداتي معیار ښه والی:

وارداتي معیار د لاندې دلایلو پر بنسټ گټور ثابتیږي البته د تعرفې په پرتله:

الف) د دې سیستم په مرسته حکومت په اسانې سره په وارداتو باندې کنټرول کولای شي.

ب) که يو صنعت نوی وي او ملاتړ ته اړتیا ولري ولې د سیاسي لاملونو له امله په وارداتو تعرفې نشي زیاتیدلای نو په دې صورت کې وارداتي معیار گټور ثابتیږي.

۳- امتیازي قیمت (Dumping): کله چې يو هېواد يو جنس د خپل داخلي بازار څخه په ټیټ نرخ سره نړیوال بازار ته

د بهرنی سوداګری د پالیسي د عملي کولو وسایل:

۱- تعرفه: تعرفه اکثره وخت په وارداتي توکو باندې وضع کیږي او په صادراتي توکو باندې ډېره مروجه نه دی. تعرفه د وارداتي اموالو قیمت لوړوي چې د قیمت په لوړیدو سره مصرفونکي د نوموړي توکي لپاره خپله تقاضا کموي او خپله تقاضا هغه توکو ته چې په داخل کې تولید شوي وي زیاتوي یا راگرځوي.

د تعرفې د وضع کولو موخې:

الف) خارج سره د سیالی لپاره د داخلي تولیدونکو لپاره امکانات برابرول.

ب) د بهرنی ارزانې کارگرې قوې په وړاندې د داخلي کارگرې قوې څخه استفاده کول.

ج) د بې کارۍ د له منځه وړلو لپاره د ملي تولیداتو پراختیا.

د) د د بهرنی توکو د قیمتونو د لوړوالي په صورت کې داخلي تولیدونکو څخه حمایت.

۲) وارداتي معیار: د وارداتو د معیار څخه موخه دا ده چې حکومت د يو توکي واردولو لپاره حد ټاکي چې د کال په اوږدو کې باید په کومه اندازه وارد شي. د وارداتي معیار ډولونه:

الف) معیاري تعرفې (Tariff Quota): د معیاري تعرفو په اساس يو معلوم مقدار توکي په لږ ټکس سره واردیدلای شي او که د ټاکل شوي مقدار څخه د توکي

لکه څنگه چې پوهيرو پرمختيايي هېوادونه د زياتو ستونزو سره لاس او گړپوان دي لکه د نفوسو چټک زياتوالی، د عايد کموالی، د ښوونې او روزنې د سطحې ټيټوالی، روغتيايي ستونزې، د تادياتو د بېلانس کسر او نورې ستونزې چې په نوموړو ستونزو د لاس بري لپاره که څه هم چې ټول پرمختيايي هېوادونه کوبښن کوي تر څو د نوموړو ستونزو څخه خلاص شي او د خپلو خوبونو تعبير په رښتيا هم ووبښي.

له بلې خوا پرمختللي هېوادونه چې د ژوند هر ډول اسانتياوې ورته برابري دي، د ژوند سطح يې لوړه ده، عايدات يې زيات دي، روغتيايي ستونزې يې ډېرې کمې دي او داسې نورې اسانتياوې. نو پدې ډول که وگورو د پرمختللو او پرمختيايي هېوادونو ترمنځ اقتصادي، سياسي، کلتوري او ټولنيز واټن نور هم زياتيږي او د زياتېدو په حال کې دی. ځکه چې په پرمختللو هېوادونو کې د پرمختللي تکنالوژۍ موجوديت، د ماهرو کارگرانو موجوديت، د پانگې زياتوالی او نور هغه عوامل دي چې کولای شي د هغوی په وسيله نړيوال بازارونه د خپل اغېز لاندې راولي او په خپله گټه ورته تغير ورکړي. چې دغه عمل د پرمختيايي هېوادونو په وړاندې يوه بله ستونزه ده چې د پرمختللو هېوادونو لخوا ورته رامنځ ته شوې ده. ځکه چې پرمختيايي هېوادونه اکثره خام مواد صادروي او د صنعتي توکو د خرڅلاو لپاره لوی بازار جوړي.

لکه څنگه چې مخکې ذکر شول، د پرمختيايي هېوادونو د تادياتو بېلانس اکثره وخت د کسر سره مخامخ وي ځکه

نورمونه په لاندې مالونو وضع کيږي: لکه کرنيز مالونه، خوراكي مالونه او نور. پورته ذکر شوي نورمونه واردات کموي او نه پريردي چې په اسانۍ سره نورم لرونکي هېواد ته داخل شي.

۶ - د حکومت لخوا د ځينې خطرونو په غاړه اخيستل: په ځينې وختونو کې حکومت هرې هغه کمپنۍ ته چې په گوته شوي ځای کې پانگه اچونه وکړي نو حکومت يې ضمانت په غاړه اخلي چې پدې ډول سره د دولت غاړه اېښودل هر ډول سياسي، تجارتي او د اسعارو د نرخ د تغير خطر د دې لامل کيږي چې سوداگريزې کمپنۍ د داخلي بازار په ځای بهرني بازار ته مخه وکړي. همدارنگه د حکومت لخوا د پيسو د نرخ ټاکل د اسعارو په مقابل کې د دې سبب گرځي تر څو دولت خپل صادرات د کميت او کيفيت له نظره منظم کړي.

۷ - Anti Dumping: د گمرکي محصول يو ډول دی چې د دې ډول گمرکي محصول څخه د اخيستونکي هېواد موخه دا وي کله مقابل لوری (هېواد) د خپل توکي قيمت ارزانه کړي او واردونکی هېواد د وېرې څخه چې د خپل توليد شوي توکي قيمت يې لوړ دی په واردیدونکي مال لوړ گمرکي محصول وضع کوي تر څو وارد شوی مالونه د داخلي توليد څخه په لوړ قيمت تمام شي او سيالي ورسره ونشي کولای. يعنې Anti Dumping گمرکي محصول د Dumping ضد عمل دی.

په پرمختيايي هېوادونو کې د بهرنۍ سوداگرۍ د پاليسۍ گټورتوب:

اکثره وخت هغو کمپنيو ته ورکول کيږي چې د دوی لپاره په صادراتو کې کومه گټه نه وي او يا هم لږه گټه موجوده وي.

سبسايدي مرستې عبارت دي له:

الف) د يوه اندازه لگښتونو بېرته ورکول.

ب) د خامو او پخو موادو په وړلو او راوړلو کې خاصې حقوقي صادراتي کمپنۍ ته مرسته ورکول.

ج) صادراتي کمپنيو ته په مالياتو کې مراعات کول.

د) صادراتي کمپنيو ته په وارداتو کې د گمرکي محصول واپس کول.

هغه سبسايدي گانې چې د صادراتو د تشويق لپاره ورکول کيږي موخه يې د تادياتو د بېلانس د توازن برابرول دي.

۵- مالي او اداري محدوديت: مالي او اداري محدوديت يوه بله وسيله ده چې واردونکی هېواد د وارداتي توکي لپاره ډول ډول معيارونه ټاکي چې دا ډول معيارونه د حکومت بيلا بيلې ادارې جوړوي لکه د عامې روغتيا وزارت، د کرنې وزارت او نور. په عمومي توگه دغه معيارونه د وارداتي اموالو په وړاندې په دوه برخو ويشل کيږي:

الف) صنعتي نورمونه او معيارونه

ب) کرنيز نورمونه او معيارونه

الف) صنعتي نورمونه او معيارونه: صنعتي نورمونه او معيارونه د دې لپاره ټاکل کيږي چې په هېواد کې خپل وگړي د صنعت له خطر څخه وساتي. لکه کيمياوي خطرناک مواد او وسايل او د ماشومانو د لوبو ځينې سامان آلات او داسې نور.

ب) کرنيز نورمونه او معيارونه: دا ډول



چې صادرات يې کم او د وارداتو اندازه يې البته د ارزښت له مخې زياته وي. نو پدې ډول که چېرې په پرمختيايي هېوادونه کې د پرمختللو هېوادونو د صنعتي توکو خرڅلاو همداسې دوام ولري نو زما په اند هيڅ کله به هم د پرمختيايي هېوادونو د وگړو د خوبونو تعبير رښتيا نشي.

که چېرې پرمختيايي هېوادونه د بهرنۍ سوداگرۍ په برخه کې خپله پاليسي عملي کړي.

د بېلگې په توگه: هغه توکي چې په بهر کې توليديږي او په داخل د هېواد کې د داخلي توکو په پرتله په ارزانه قيمت تماميږي نو په هغوی باندې لوړ گمرکي محصول وضع کړي، او يا د نوموړي توکي د مقداري محدوديت (Quota-System)

څخه کار واخلي نو پدې ډول سره به د وارديدونکو توکو قيمتونه لوړ شي او په اساني سره به ونشي کولای چې د داخلي توليدونکو توکو سره سيالي وکړي. نو پدې ډول به د هېواد د وگړو تقاضا د بهرنيو توليداتو په ځای داخلي توليداتو ته زياته شي او د داخلي توليد په استعمال به پېل وکړي چې پدې سره به له يوې خوا د هېواد د وگړو تقاضا د داخلي توليد په مرسته رفع شي او له بلې خوا به په داخلي تصديو کې د اضافي تقاضا د رفع کيدو په منظور د نوموړي توکي په توليد کې زياتوالی راشي چې د توليد د زياتوالي له امله به په تصديو کې اضافي کارگرانو ته ضرورت رامنځ ته شي چې ورسره به د استخدام سطح لوړه شي او د استخدام د سطحې په لوړيدو سره به د خلکو په عايداتو کې زياتوالی راشي چې

پدې ډول سره به د حکومت لپاره هم د عايد د لاسته راوړلو يوه منبع جوړه شي تر څو په خرڅلاو ټکس او په عايداتو ټکس واخلي.

همدارنگه هغه عوامل چې د اجناسو په توليد کې زياتوالی راولي او يا هم د توليد د تمام شد قيمت په راټيټولو کې مرسته کوي لکه پرمختللي تکنالوژي او يا هغه خام مواد چې د بهر څخه واردېږي او د هېواد په داخل کې ورڅخه د اجناسو په توليد کې گټه اخيستل کيږي په هغوی باندې بايد حکومت گمرکي محصول ختم کړي تر څو داخلي توليدونکي دې ته تشويق شي چې پرمختللي تکنالوژي او ضروري خام مواد وارد کړي تر څو د اجناسو په توليد کې ترينه گټه واخيستل شي.

همدا ډول په پرمختيايي هېوادونو کې چې نوی صنعت رامنځ ته شي نو د زياتو لگښتونو په درلودلو سره نشي کولای چې د پرمختللو هېوادونو د توکو سره سيالي وکړي که چېرې د نوي صنعت څخه حمايت صورت ونه نيسي نو د زياتو لگښتونو له امله کېدای شي چې له منځه ولاړ شي. او که ملاتړ ترې صورت ونيسي، پدې مانا چې په وارديدونکو توکو باندې لوړ گمرکي محصول وضع شي او يا د نورو پاليسيو څخه گټه واخيستل شي نو د هغوی قيمت لوړيږي چې د داخلي توليدونکو د هڅونې لامل به وگرځي چې کېدای شي د صنعت په برخه کې پانگه اچونه نوره هم زياته شي.

همدارنگه هغه تصدی چې د هغوی لپاره په صادراتو کې گټه نه وي او يا هم د گټې اندازه يې کمه وي نو که د حکومت

لخوا هغوی ته سبسايدې (Subsidy) ورکړل شي او يا يې په صادراتو باندې ټکسونه له منځه ولاړ شي نو کېدای شي چې نوموړې ستونزې يې کمې او يا له منځه ولاړې شي چې دا هم کېدای شي چې د هېواد د تادياتو په بېلانس کې د توازن سبب وگرځي....

که چېرې پرمختيايي هېوادونه د صادراتو او وارداتو په برخه کې د لازمو وسايلو څخه گټه واخلي نو پدې ډول سره به د داخلي صنعت څخه ملاتړ صورت ونيسي او داخلي مؤلدين به نورې پانگې اچونې ته تشويق شي چې له يوې خوا به د داخلي توليدونکو لپاره د توليد د زياتوالي امکانات برابر شي او د هېواد خام مواد به په داخل کې د توليد لپاره استعمال شي، له بلې خوا به د استخدام سطح ورسره لوړه شي چې پدې ډول سره به د خلکو او کورنيو د عايد سطح هم لوړه شي چې د عايد په زياتوالي سره به د عايد يوه برخه په لگښت ورسپري او د عايد هغه برخه چې د ورځنيو لگښتونو د پوره کولو څخه وروسته پاتې شي نو هغه به سپما شي چې د تقاضا د زياتوالي د پوره کولو لپاره به بيا په پانگه اچونه کې په کار يوړل شي چې پدې کار سره به د پرمختيايي هېوادونو د اقتصادي پرمختيا جريان تېز شي او د پرمختيايي هېوادونو د وگړو د خوبونو تعبير به بالاخره په رښتيا بدل شي.

پايلې:

۱- په پرمختيايي هېوادونو کې چې يو صنعت نوی رامنځ ته شي نو په لومړيو وختونو کې د زياتو لگښتونو په درلودلو سره نشي کولای چې د بهرنيو هېوادونو د توکو سره سيالي وکړي که چېرې ملاتړ

ورڅخه صورت ونه نیسي نو کیدای شي چې له منځه ولاړ شي.

۲- که چېرې پرمختیایي هېوادونه د بهرنی سوداګرۍ په برخه کې خپله پالیسي عملي کړي نو کېدای شي چې هغه ستونزې چې په اوس وخت کې ورسره مخامخ دي له منځه یوسي.

۳- د بهرنی سوداګرۍ د پالیسي په مرسته د پرمختیایي هېوادونو د تادیاتو په بیلابنس کې ښه والی رامنځ ته کیدای شي.

۴- په پرمختیایي هېوادونو کې د داخلي صنعت څخه د ملاتړ په پایله کې په داخلي تولیداتو کې زیاتوالی رامنځ ته کیږي چې ورسره د استخدام سطح لوړیږي، چې د استخدام د سطحې په لوړیدو سره د خلکو په عوایدو کې زیاتوالی راځي چې پدې ډول سره یې د خلکو د ژوند سطح لوړیږي.

۵ - که څه هم پرمختیایي هېوادونه د پرمختللو هېوادونو د توکو د خرڅولو عمده مرکزونه جوړوي نو که د بهرنی سوداګرۍ په برخه کې خپله پالیسي عملي وگرځي.

نکړي نو تر ابده ابده به یې خپل اقتصادي حالت خراب او د پرمختللو هېوادونو سره به یې اقتصادي توپيرونه نور هم زیات شي.

وړاندیزونه:

۱- که څه هم اکثره پرمختیایي هېوادونه خام مواد صادروي نو پدې ډول سره ورته په کار دي چې خپله د بهرنی سوداګرۍ پالیسي داسې چمتو کړي چې د هغې له مخې هغه خام مواد چې په داخل کې ورڅخه د توکو په تولید کې گټه اخیستل کیږي او د نورو هېوادونو څخه واردیږي په هغوی باندې گمرکي محصول معاف کړي ترڅو د داخلي صنعت د پیاوړي کیدو لامل شي.

۲- په پرمختیایي هېوادونو کې ټول هغه اجناس چې د بهر څخه واردیږي او په داخل کې یې هم تولید صورت نیسي نو په واردیدونکي توکو باید لوړې گمرکي تعرفې وضع کړي او د مقداري محدودیت څخه گټه واخلي ترڅو د داخلي تولیدونکو د هڅونې لامل

۳- دا چې پرمختللي تکنالوژي د تولیدي لگښتونو د کموالي، د تولید د مقدار د زیاتوالي او د تولید د کیفیت د ښه والي لامل گرځي نو د خپل داخلي تولید د کیفیت او کمیت د ښه والي په منظور باید واردونکي وهڅول شي ترڅو پرمختللي تکنالوژي وارد کړي.

۴- ټولې هغه تولیدي تصدې چې په صادراتو کې یې گټه نه وي او یا ورته په صادراتو کې کمه گټه پاتې کیږي نو د بهرنی سوداګرۍ په برخه کې باید هغوی ته سبسایدي (Subsidy) ورکړل شي او هم یې په صادراتو باندې گمرکي محصول کم او یا له منځه یوسي.

۵: که څه هم د اکثره پرمختیایي هېوادونو د تادیاتو بیلابنس د کسر سره مخامخ وي نو د تادیاتو د بیلابنس د کسر د له منځه وړلو لپاره باید پرمختیایي هېوادونه د صادراتو او وارداتو په برخه کې د بهرنی سوداګرۍ د پالیسي د عملي کولو په برخه کې د ټولو لازمو وسایلو څخه گټه پورته کړي.





هیئت رهبری و منسویین د افغانستان بانک حلول پر  
میمنت عید سعید اضحی و شرف یابی حجاج گرانقدر  
را به خانه کعبه شریفه به کافه ملت مسلمان افغانستان  
و جهان تبریک عرض نموده و از بارگاه ایزد متعال  
موفقیت، کامیابی و سر فرازی ملت با شهامت افغان  
را تمنا دارند.



Da Afghanistan Bank  
(Central Bank of Afghanistan)

**BANK** بانک  
Da Afghanistan Bank (Publication)



1389

Issue 41

Fourth Year, November  
2010

[www.centralbank.gov.af](http://www.centralbank.gov.af)